

برخی از قبایل اعراب عرضداشتی به (جنرل درود)
پیش نموده که فعلاً چند روزی طرفین از جنگ کنار
گیرند، تا گفتگو در باب مصالحت شود. جنرل مذکور
ناهمش ستمبر مهلت داده مظنون است که قبایل عرب
محض دفع الوقت این تدبیر را نموده اند

§ تلگرافی از (تاجپیر) آمده که مکتوبی از
(مکین) مورخه ۱۲ آگست رسیده می نویسد از
مدت قید من زمانی دراز گذشته. از سکونت در منزل
وبران و مرطوبی هوا مریض شده ام، مجال بدن شستن هم
ندارم. اطعمه که آنها میدهند میخورم (رسولی) نام
اسباب و لوازمات را ضبط نموده. بعد از این
مکتوب دیگر از وی نرسیده است

§ در ضیافت رسمی که در سفارتخانه انگلیس در
اسلامبول محض تشریفات امیرالبحر انگلیس شده بود
فرید پاشا و توفیق پاشا و سایر افسران ترکی هم
اشترک داشته (سر نیکولس) نحرک نوشیدن جام
صحت سلطان عثمانی و فرید پاشا نحرک جام صحت پادشاه
انگلستان را نمودند

§ وقایع نگار روزنامه (ماریننگ پست) می نویسد
که اداره شرکت (اتولین) آلمانی اجازه حفر نهری
در وادی (کونیا) واقع در آسیای کوچک از بابعالی
حاصل کرده. بهایش (۲۶۰۰۰۰) ایگراراضی جهت
زراعت جو و گندم خواهند نمود

§ (دیوک آف کنات) در دفتر اعانه یادگار (لارد
کلابو) (۲۰) لیرا داده شرکت نموده است

§ (ایونینگ نیوز) می نویسد - از تلگراف (اسکا)
ظاهر می شود که کپتن (مککلر) مهندس راه شاهی
امریکا از سیاحت خود سلامت مراجعت نموده
§ پادشاه انگلستان وارد لندن شد

(۲۱ رجب المرجب - ۸ ستمبر)

§ مخبر (روز) از (کنتان) خبر میدهد که در
مصفا - (منج شنک) بغاوت شده - یکی از حکام
محکمه نظم و خانواده اش را بقتل رسانیده و محکمه
را منهدم کرده است

§ (سر نیکولس) و امیرالبحر با هیئت افسران
تحت الحکم در قصر (یلدز) نشاول طعام نموده
بعد بنامنا خانه (نیاتر) همراهی نمودند اعلیحضرت

سلاط عثمانی شخصاً در این مهمانی حضور داشتند -
و با کمال شفقت و محبت مدعوین را رخصت نمودند
§ وقایع نگار (مارتنک پست) از اسلامبول می
نویسد - نخمین مخارج حفر نهر (کونیا) هجده میلیون
فرانگ شده. وجه را (دتشی بانگ) از قرار
سود سالانه فیصد پنج قبول نموده به قرض بدهد

§ تلگرافی از (تاجپیر) رسیده که طلی از
(موگادر) آمده که - حواداران سلطان مراکو از توقف
زیاد سلطان در (بیض) آزرده خاطرند، و با دشمن
وی میخواهند متفق شوند - از طرف دیگر همراهان
(مولی حفید) از سکوت وی در (مراکو) برایشانند
(مولی حفید) در صدد حصول وجه بعنوان قرض
مقدار پنج میلیون فرانک از دولت آلمان میباشد -
(۳۰ رجب - ۹ ستمبر)

§ (جنرل درود) خبر داده - که قرب (۸۰۰)
عرب در (کاسا بلنکا) کشته شده اند -

§ تلگرافی از (کاسابلنکا) رسیده که قبایل عرب که
خواهش مهلت کردند و از جنرل (درود) هشت روزه
حاصل نمودند - قبل از آنکه مدت مذکور ختم شود
وکیل حقه مخبرات معین نموده اند -

§ (رسولی) در باب رهائی (مکین) بسفارت
انگلیس شرط آخر را نوشته و پناهنده به دولت
انگلیس و خواستگار حکومت (ممکتی) که در وسط
(یتون و لوریش) است باوجه خسارات شده است
§ دولت فرانسه را اراده این است آنچه تقاضای
از جنگ (کاسابلنکا) عاید شده از حکومت (مراکو)
بگیرد - اندازه خسارات را هیئت کبسیرونی مشتمل از
کیسره های دول اروپا معین خواهند نمود
(۱۰ شعبان - ۱۰ ستمبر)

§ تلگرافی از (کاسابلنکا) رسیده ، که به سبب
کسالت مزاج جنرل (درود) پیش قدمی قشون فرانسه
را تعطیل رویداده ، فعلاً جنرل موسوف در کوریت
متوقف است

§ در (وانکووار) برخلاف ژاپونیان و
چینیان اشرار بغاوت نموده ، ابتدای شورش
روز شنبه و بعد عصر یکشنبه بوده ، ولی
ژاپونیان دلیرانه مستعد دفاع و مساجح با رپوالور

خطاب به هیئت باغبان نمودند که اگر قصان جزئی
به ژاپونیان برسد با نارنجک همه را بمخاک هلاک خواهند
نهادخت ، از این رو شورشیان مرعوب شده از محل
سکنای آنها به يك سو شدند

§ روز شنبه ژاپونیان به لفظ (بانزای) صدا بلند
نموده بر (۸۰۰۰) باغبان حمله کرده بطرها شکسته
با کمال جلالت دفع دشمن نمودند

§ در خصوص مناقشات (وانکوبار) رساله خبری
تا کنون در لندن نرسیده

§ تلگرافی از (پترسبرگ) آمد که مسودات عهد
نامه روس و ژاپون در (توکیو) رد و بدل شد

§ سلاطین پانجا بمهمده (میجر جنرل) در موج
انگلیس منصوب شدند

(۲ شعبان - ۱۱ ستمبر)

§ مرض (جنرل درود) رو به صحت است

§ در (کاسابلانکا) بذریعه (مالون) معاینه جمعیت
اعصاب را نموده اند

§ کیسیون مخصوص نحت نگرانی کانفرانس (هیگ)
تحریر محکمه عدلیه دائمه بین الدول را منظور نمود
§ دیروز وقت عصر در (وانکوبار) امنیت بود
فوج دو طاب آماده و منتظر حکم ، پاپس بسیاری از
اهالی مشرق را که در آن عده کثیری از چینیان که
دارای ریوالور بودند گرفتار نموده ، در گمرکخانه صدوقی
را که به نام (آجری چینی) وارد شده بود در آن ۳۰
تسنة تفنگ و مقدار زیادی از باروت بود ضبط
حکومت شد

§ در (وانکوبار) امراء ژاپونی و چینی - هندیان
را ترغیب و تشویق به دست کشیدن از خدمت
نموده هندیان انکار نموده اند -

§ رساله منتشر شده که سردار (سورینگا) نزد
حکومت آلمان عرضداشتی جهت مصالحت فرستاده جواب
داده شده که مشروط بر اینکه اسلحه از خود دور
نمایند در امان خواهند بود -

§ (برنس بولو) را اراده این است از خزینه دولت
ربع ملیون (مارک) به مصیبت زدگان آلمان در (کاسابلانکا)
داده شود ، مشروط بر اینکه آنها بیک قدرت دارند
این وجه را من بعد مسترد نمایند -

§ امیرالبحر (فلیسبرت) خبر میدهد که در
(کاسابلانکا) و قریب و جوار آن امنیت حاصل است
(۳ شعبان - ۱۲ ستمبر)

§ از اخبارات نازه (وانکوبار) معلوم می شود
اغتشاش روی بانمخطاط گذارده است -

§ کشتی مخصوص مسافرت اعالیحضرت امپراطور
روس (استاندرد) در جانب غرب (هایگو) وسط
جزایر (فینی) بالای کوهی قرار گرفته يك کشتی بزرگ
و هفت کشتی موشک شکن از چار جانب جهة مخالفات
کشتی فرستاده شده چه هنوز امپراطور و خاندان
سلطنت در آن هستند -

§ امپراطور روس مع خاندان سلطنت از کشتی
(استاندرد) به کشتی (اشیا) تحویل نمودند - در
(پترسبرگ) هیچ يك از حرایدر این خبر نداده اند -

§ مخبر (ونز) از (کاسابلانکا) تاریخ ۱۱ ستمبر خبر
میدهد که جنرل (درود) امروز صبح ساعت شش
بسمت (مدرس) رهسپار شد - تقسیم اردو را بدین
قسم نموده - از تمام قشون دو مربع ساخت هر مربعی
دارای ۶ کبابی - ۴ توپخانه بری - ۴ توپخانه کوهی و دسته
سواران - بین راه بااعراب مقابله با شمشیرالی (مدرس)
شد در آنجا که رسید شایک توپ نمود و اعراب
را فرار داد و خیامشان را سوخت - قشون فرانس
با تلفات قابل مظار مراجعه به اردوی خود نمودند -

§ تلگرافی از (کاسابلانکا) رسیده که تلفات فرانسه فصد
يك مقتول و ۶ مجروح بوده در اردوگاه دشمن اشیا
که مالیت داشته باشد بدست نیامده - اعراب اموال و
غایم منموه را به مالك داخله خود حمل نموده اند

§ مخبر (روتر) خبر میدهد که شرایط (رسولی) در دارة
حارجه رسیده (رسولی) با سفیر انگلیس گفتگو دارد -
امید است که (سرهتزی مکلین) عنقریب رهائی یابد -
(۴ شعبان - ۱۳ ستمبر)

§ وقایع نگار (طمس) از (نیو یارک) می نویسد
که جمیع ژاپونیان و چینیان را از (بیلتنگهام) حاکم
شده فوراً حرکت نمایند - ژاپونیان جمیعاً مساج اند و
میگویند باختیار حرکت نخواهند نمود ، وسیی بلذخ حومه
توقف خواهند کرد -

تلاکرافات روتر واجع بايران

(۲ شعبان المعظم - ۱۱ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از طهران خبر میدهد، که بموجب اعلان رسمی که اشاعت یافته، صد نفر از سربازان نظامی عثمانی (گان کاجن) که سمت شال غربی ارومیه واقع است متصرف شده و تا کنون (۱۵۰) دهات ارومیه به قبضه عثمانیان درآمده

(۳ شعبان المعظم - ۱۲ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از طهران خبر میدهد که مجلس شورای ملی بعد از مباحثه زیاد قرار بر این گذارده اند که وزراء منتخبه را با تازده روز مدت داده شود در این بین اگر ایاقنشان را سنجیده از محک امتحان کامل العیار بیرون نیامدند تبدیل خواهند شد

§ وقایع ننگار (اندین دیلی تلگراف) از اسلامبول می نویسد، که با افسران اداره خارجه عثمانی و پرنس میرزا رضا خان سفير دولت ايران مخصوصاً در باب سرحد متنازع عثمانی و ايران سؤال نموده در جواب گفتند که غیر ممکن است حقیقت واقعی مناقشه که الزام بر کدام جانب وارد است اظهار شود، زیرا که تا کنون تصفیه و تعیین سرحد بین دولتین عثمانی و ايران نشده، مقاماتیکه در آن اغتشاش واقع شده متصرفه کردان عثمانی است اگرچه آنجا کردان ایرانی هم هستند و این نزاع بین این دو طایفه اکراد است و عاگر رسمی،

وقایع ننگار موصوف می نویسد اینکه شیوع یافته پیش دستی از قشون عثمانی شده غلط است بلکه آغاز از طوایف اکراد سرحدی شده، اشتغال ناپره فساد را کردان سرحدی ایران نموده، تصفیه و تعیین سرحدی باید بتوسط دولتین انگلیس و روس بشود

حبل المتین

حرف همان است که ما بارها زده ایم، ورجال دولت عایه و وکلای ملت سزیه هنوز توجه تام نقرموده اند تا ارفع الدوله سفير ايران در اسلامبول باشد مناقشات سرحدی ما و عثمانی رفع نخواهد شد، و با شرف خواهیم توانست رفع این غائله هائله را به نایم ملی اگر ارفع الدوله شرف دولت خویش را خواستگار بود، علناً الزام را بدولت متبوعه خود میداد، چه دولت ایران رسماً به جمع دول از زیادت

عساگر رسمی عثمانی اطلاع داد، ولی نماینده دولت علیه ایران اعلامات رسمی دولت خویشرا هم تردید مینماید تنف با این غیرت، اف بر این نمایندگان که تنگ برای مات و دولت بار می آورند، اگر ارفع الدوله منکراست که بوقایع ننگار (اندین دیلی تلگراف) این مراتب را ننگفته پس ار آنیکه تلگرافاً این خبر در جمیع دنیا انتشار یافت چرا تردید نکرد، و حقوق دولت متبوعه خود را ثابت ننمود، بی خدمات می سلفه که این گونه خائنین بدولت ایران دعوی میکنند همه این قسم بوده است در صورتیکه جمیع رعایای ایرانی مقیم اسلامبول از این مأمور سر تا پا غرض به فرت اند و از خود نانی و خود ستاینها حثک او به تنگ آمده و ناموس ملت را در خاک عثمانی بر باد داده و ایرانی را خوار و دلیل نموده و خون هزارها نفوس را هدر کرده، جهت چیست که او را نباید از اسلامبول حرکت داد؟ آیا هنوز هم موقع آن نرسیده است که جلوشارلثانیهای برخی از مأمورین شارلثان گرفته شود؟ آیا این قدر خواری و مذلت که برای ملت ایرانیه در مأموریت این شخص در خاک عثمانی فراهم آمده کافی نیست؟ آیا وکلای محترم ملی تا یکی باید در حق اینگونه مردمان سر تا پا غرض ساکت باشند؟ بخدا قسم مضار مأموریت این مرد در اسلامبول بالاتر از صد فوج عساگر جرار عثمانی میباشد

پس است مدافعه، پس است سکوت و ملاحظه، ملت و دولت از یا در آمد، همسایه بر ما جری گردید، ما بونها نفوس ایرانیه دچار ذلت و خواری گردیدند، اگر ارفع الدوله خیر خواه ملت و دولت هم باشد از خود ستانی و مجسمه سازی و شمر نانی و فراهم نمودن اسبابیکه مدایح خود را در اخبارات درج نماید و راه دخلی پیدا کند که جلو این گونه مصارف را بگیرد فرصت رسیدگی بامور پلتیک و سیاسی ندارد، والله دماغ فهم این گونه نکات را هم دارا نیست، باور ندارید نطقیکه در کنفرانس اول صاحب لاهی در جمع جمیع دیپلماتهای عالم داده ملاحظه فرمائید، که حالت استفراغ از شنیدنش بانسان دست میدهد، این مرد را اگر میخواستید بیکار نباشد بیایدش بطهران و منصب شمر باقی گیری باو بده اید، این مرد قابل عهده های دیپلماتی نیست، سفارت کبری را مقام کوچکی تصور ننمائید خصوصاً درین موقع بجه بازیش قرار نده اید

تراشیده و میتراشد ؟

حکومت بانگرا که در تحت نام سلطنت عثمانی و دست نشاندۀ روس است ، در سربك اصیحتی که در مقدمۀ اختلاف با یونان از سلطان عثمانی باو رسید ، فی الفور رسماً جواب نوشت (فضولی موقوف) بدون اینکه ملتجی بروس شود که ای بابا جان باین مرده که بگو چرا من اصیحت میدهم ! و متوالی آن اعلان مشق نظامی و جنگ هفت لشکر دوست هزار خود را در نزدیک سرحد عثمانی اعلان داد و بعمل آورد ، و کیک بشوار سلطان انداخت و شا دولت بچهار ساله که سلاطین بزرگ از هیبت آن مبلرزیدند و هنوز غرض و نمره نادری از گوش عالم بیرون نرفته ، در سر هر مسئله جزئی بطرف بابا جان و اما جان میدوید و قیوم برای خود میتراشید !

بلی امورات و مهمات را بوسایل دیپلماتی میگذراند در صورتیکه اردوهای جرار برای دفع زیادتی خصم مهیا نموده باشند ، نه در همچو موقعی - در همچو موقعی فقط وسیله دیپلماتی که بجا میباشد این است که بدولتجاورات همسایه را عمود و تقصیر را گردن متجاوز گذاشت ، محض ملاحظاتی که در آئینه پیش خواهد آمد و فی الفور باید هم مزای جساتش را بکنارش گذاشت ، نه اینکه هیچ کار نکرده از روس و انگلیس التماس کنی ، که امان است از سلطان خواهش بکنید ، دیگر بس است ، و امش را وسیله دیپلماتی بگذاری (گفت شیخا خوب ورد آورده) (لبك سوراخ دعا کم کرده)

بقول برنس بیژمارك ، حسن و قبح اشیاء را از نتایج آنها باید حکم کرد ، اینهمه ضرر و خسارت که از این پلتیک قیوم تراشی دیدید ، هنوز قبیح و سخافت این پلتیک را بر شا روشن نساخته .

آخر شا مصمم شدید مثل مردان طرح نویی انداخته . بساط کهنه را در چینید و این ایران جان ناب رسیده را از این بلیات نجات دهید ، آخر چه شد که بهان پلتیک مدرسه منحوسه که وبا و طاعون جان ایران در عرض این يك صد سال بوده چسبیده و خود را از همان شاخ بلا آویخته اید ! اینقدر شا باین پلتیک طاعون وار رقابت روس

و انگلیس و قیوم تراشی چسبیدید که آخر حیات خود را مشرف بفساد و زوال آوردید ، شا از این پلتیک خسته نشدید ، ولی انگلیس و روس خسته شدند ، حال بهم آمده اند در شرف ختم قرار دادند ، که ایران را بدو دایره نفوذ قسمت نمایند ، که شمال دیره نفوذ روس و جنوب دایره نفوذ انگلیس باشد ، باین معنی که هر يك در دایره نفوذ خود هراقدامی بنخواهد بکنند در توسعه تجارت و حفظ منافع و ازدیاد نفوذ و گرفتن امتیازات از ایران بزورکی یا به پولکی یا به گول سازی ، دیگری هیچوجه به مقام اعتراض و مخالفت بر نیاید و در دایره دیگری هیچوجه مداخله نکنند ، و به تحریک تقنین ایرانیا دشمنی و رقابت ننمایند ، در ضمن هم اسم بشای استقلال ایران را در معاهده خواهند برد ، همانطوریکه انگلیس و ژاپون در معاهده قبل از جنگ روس (کوریا) را مستقل شمردند ، و در معاهده بعد از جنگ مال ژاپون شناخته شد ، و این معاهده در امك زمان با مضمی خواهد رسید

آسوده باشید از شا سخه و امضی نخواهند خواست ، و بتصدیق و انکار شا هیچ احتیاجی ندارند این يك طلسمی است که از دور می بندند که شارا را مانع کرده متحرک نگاهدارند ، و دست شارا از این رشته بوسیده پلتیک رقابت روس و انگلیس بگسارند ، در هر چاره را بروی شا به بندند ، و مفعول مجبوران نمایند ، و شارا مثل ماشین بکارهاییکه نافع بخودشان است وا دارند ، و هر ثروت و مکنتی که ممکن است از خاک شا ببرند ، همینطور خود را از خطر رقابت یکدیگر که ممکن است روزی بچنگ با یکدیگر منجر شود محفوظ دارند ، بعد از مدتی که این امتحان را مفید و خالی از هر خطر و ضرر دیدند ، آنوقت هر يك دایره نفوذ خود را ضمیمه ملک خود می کنند در آنصورت قائمه آخر ایران خوانده میشود ، و همان معاملتی که با قفقازها و هولاندیا و هندیا می کنند با شا هم خواهند کرد !! هیچ بجوش و خروش آبی نیاید ، اگر تمام وزرا تان را جمع کنید و تا ده روز مجلس سری بنمایند صد يك آنچه را بنده عرض کردم از آنها نخواهید فهمید !! بقول برنس ملکم خان - خوب ، حالامیخواهید طریق شکستن این طاسم را بدست بیاورید ، و دعای باطل السحر

که شاهم مشق سرباز دارید، که غیر از همزم شکن و قصاب باشند و نه تنگ را از سر آفت بشناسند، و سواران طوایف را در تحت یک قاعده و انتظامی بیاورید، که در روز احتیاج بکار آیند

اهمال این سه فرقه که باطل السحرش میخوانیم، چندان خرجی و بولی لازم ندارد، فقره اول جز مرسوم معامین و مواجب و مخارجات ادارات برای این کار که آنها چیز قابلی نمی شود نخواهد بود، و در فقره دوم باندک تفاوت خرجی این هشتاد هزار نفر را بدرجه اکال توان آورد و در اردوهای چهارگانه دائماً نگاه داشت

لخدا شاهد است باهمی بولی و منکوبی که دارید اگر در انجام این سه فرقه هیت نماند و استقامت مزاجی بخرج دهید تا و بود این طلسم بسپاد خواهد رفت و نکلی از تاثیر خواهد افتاد، و الا فرداست که انگلیس و روس هرروز انواع گربه برای شما رقصانند و بضعف و کره بر گردن شما تکالیف خود را خواهند گذاشت شما هم بدون زور نمیتوانید با آنها مقاومت نمانید، همینکه مستعظم بخلق قوه شدید با کمال شرف و صولت بی هیچ اختلال و فشار خارجی در انجام امور مملکتی خود و ترقیات و سعادات دولت و ملت ایران خواهید پرداخت، و او را از این تنگ و طارها خلاص خواهید داد، و با داشتن چنین قوه و باطل السحر طوری بسرعت برق ترقی خواهید کرد که حیرت تمام عالم بشوید

بدون اینکه قبل از وقت خود را حاضر و آماده بر حسب مقتضیات وقت کرده باشید و بقانون و علوم نظامی مکمل باشید، در حین بروز خطر و ظهور رهنی بدولت و ملت خود بجوش و خروش بیایید، و رجز بخواید و اعلام حماد کنید، جز اینکه خود را بیشتر ذلیل و منکوب و شرافگنده کنید کاری از پیش نخواهید برد، هر قدر جان فشانی و شجاعت و شیری کنید از تابعین متمسک نخواهید گذشت، شنیدید که بطور طعمه و هوش و حدت گلوله توب شدند

امیدواریم که اقلای یکی از اعضای پارلمنت دامن همت برگر زده و هر روز از اخطار این مسئله بمجلس ملی خود داری نکنند تا ابتکار فی الفور انجام یابد و نام طلسم شکنی را بر خود مسلم دارد

آزرا بشناسید، این باطل السحر بقدری ساده و آشکار است که دور نیست خوانندگان از خواندنش بچندند، ولی اهمیت که من میدهم بقل آن است نه بقول آن، اقدام و اجرای آن عنصری میخواید محکم و عزمی ثابت تر از کوه ابوقیس، اگر این صفات را بعاریت میتوانید بدست بیاورید که این باطل السحر کاری خواهد بود و الا به بوالهوسی و سهل انگاری بقدر سرموئی فایده نخواهد داشت!

و آن باطل السحر این است، که بدون تأخیر در در مجلس ملی قانون بگذارید، که تمام جوانان ایران از سن هفده الی پست بطور اجبار هفته چند بار با معلمین ماهر مشغول تعام و مشق نظامی شوند، و اداره جزو اداره جنگ با شعبات آن در، لك مختلفه ایران در ترقیات و انتظامات و غیره این کار با کمال نظم و وقت مؤسس بشود، و در مدرسه دارالفنون طهران حضور معلمین کامل جوانان با استعداد را وادارند شب و روز با کمال جد و جهد مشغول فنون نظامی شوند، معلمین را یا از آلمان یا ژاپون بیاورند، ژاپونیا بی شک دلسوز تر خواهند بود و کم خرج تر و در ضمن هم منافع بلنیک دیگری دارند

نتیجه این اقدام این میشود که در عرض سه سال بل کمتر اقلای صاحب یک میلیون سرباز بر مشق تعلیمدار نظامی که تواند دم از همسری با سرباز هر دولت زند با صاحبمنصبان متبحر در علوم و فنون نظامی خواهید داشت، که هر آن در هر نقطه از مملکت بخواید در اوقات فوق العاده صد یا دویست هزار آنها را برای سرافشانی در راه وطن عزیز خود بصحرای جنگ بریزید، و بعد از گذاشتن این قانون این هشتاد هزار سرباز (رکابی) را که امروز جز اسمی از آنها در دفتر نیست باید صورت خارجی داد، از هر حیث آنها را بنقطه کمال آورد، که ماهر در تعلیم نظامی باشند، و در هر آن برای هر نقطه حاضر و طیار باشند، و باید منقسم بچهار اردو شوند، که هر یک در نقطه از مملکت که اهم است شب و روز در سرباز خانها مشغول مشق باشند، مثل اینکه هر دقیقه وجودشان لازم خواهد شد، و سالی یک بار هم قسمی از صاکر را بچنگ هفت لشکر وا دارید که هم امتحانی نماند و هم بر طلم بنماند

لايحه يك از فضلاى بنام

(۱۲ شهر رجب از خراسان)

قبل از حوض در اصل مطلب از تذکار چند نکته که توضیح آنها بی اهمیت نیست گریز و گزیری ندارم

(۱) باید دانست که هر که مدعی تشریح بشریعت انسانیت است و خود را از این اداره مقدسه مبداند اگر اتفاقاً روزی ابناء نوع خود را خاصه با اتفاق مشرب و مذهب از بعضی مسائل غافل یا متعادل دید مها ممکن و بقدر الطاقه نباید از ایقاز و نییه ایشان مسامحه کند و تا میتواند باید در صدد جاب خطاظر و عطف انظار آنها بطرف نقطه منظوره بر آمده از استفراغ وسع و بذل مجهود دریغ ندارد، نفع ابناء ملت و امناء دولت متبوعه خود را در هر چه دانست بایست تشریح او را از فرائض ذمه خویش شمرده در اظهار عقاید و مدرکات خود تصور نوزد

(طریقت بجز خدمت خلق نیست)

(به تسبیح و سجاده ودلق نیست)

(۲) غرض شخصی در من راه ندارد طبیعت بر اذیت نیست، مجازگو نیست، مدافعه را مخصوصاً اگر بی علت هم بود نمیدانم چیست .

(رنگ و تذویر پیش ما نبود)

(شیر سرخیم افی سیم)

(۳) رسم بنده در نویسندهی تأمل یا سواد نیست حالم بر ارتجال است ، لذا اگر قراء عظام در جائی خطائی دیدند جای اغراض است نه اعتراض

(در پس آئه طوطی صفتم داشته اند)

(آنچه استاد ازل گفت بگو میگوم)

(۴) قارئین نظام باید بدانند اگر بعضی از فقرات مروضه راجع بوکلای محترم بود ربط بمعوم ندارد نسبت به بعضی است که مبدای وکالت و منتهای جهالت ایشان بر احدی پوشیده و مستور نیست ، ما ایرانیان عموماً و عقلاً خصوصاً از مساعی جیهله وکلای خود امتال جناب سید حسن تقی زاده کمال امتنا را داریم، و مخصوصاً هم از جانب اخلاف خود ملزم میشویم که در مواقع مرسومه مراتب ممنونیت خود را نسبت به ربك ویژه بجناب معظمه اظهار میکنند اگر چه تبریزیان نسبت

بسطرانیان در آمدند ، لیکن تضریر آمدند و دلیر آمدند ،

(مرید یر مقام زمن سرنج ای شیخ)

(چرا که وعده تو کردی واو بجا آورد)

(۵) از تقاق بعضی و عدم اتفاق بعضی دیگر با کمال قدرت بر دفع فوق التصوی مهمل المشاهرم، و از تعویق جریات مقاصد این مشروطیت مشروعه که بالذال مایه آرادى همه فرق وحشیه باقیه جهان است نه فقط ایران خارج الحصر محتل الحواسم، از بسط منطقیات اطراف قضایای معده نظام جمهور معذورم، و از اجراء امور موافق منظور حق المقدور مجبورم چرا که بر جمال شاهد حریت و مساوات تاشقم و در گفتار خود شهد الله استوار ، و صادق ، شیفته را توبیخ نباید فریفته را تفریح نباید

(دلداده را ملامت کردن چه سود دارد)

(۶) فرضاً هم بعضی از صرائض من مصادم شئون بعضی از آقایان شد ، بشود

(زدم بر صف زندان هر آنچه نانا باد)

از همین ملاحظه های بیوقع بود که دچار چنین موقع وخیم و مضیق الم شدیم، من با معاضدت برهان بجمیع القوی حاضرین اول شخص دنیا را تحت محاکمه کشم، کدام پارلمنت در انعقاد اینهمه مجالس سر به حاضر است؟ کدام پارلمنت اینهمه ملت خود را محس و حرکت بحال عالم معرفی میکند و خود را از همه حیث از آنها اقدام بقم میدهد؟ که هر چه بگوید و بکند فعال طایفاست و به هیچ کس ادراک نخواهد کرد، با آنکه شهادت تعالی اشخاصی در ایران هستند که استعداد ریاست پارلمنت انگلیس دارند ، کدام پارلمنت برس لایحی لاهی را که مردم رسمی برس صاحب لاهیش خوانند، اینهمه بحال میدهد که اگر از ترس معاهده روس و انگلیس نبود حاضر بود که فوذ بلتیکی آل عثمان را در داخله ایران پیش از همه دول قرار دهد، و از محل متناسخ فیه بین الدولتین گذشته تا دم دروازه طهران مخصوصاً تبریز را ملک طلق دولت مشارالیه تسلیم کند .

کسیکه عمری در گفتن شعر صرف کرده و با آنکه مدتها با فتح الله خان شیسانی که نالت ثلاثة شعراء عصر تبار قاجار که از انقراض دولت غزنویه تا این عصر کنی جز مشارالیهم احیای شعر که در این

مدت زیادی نقل شده کرده بود. نکرده ملاق بوده
بشارت که نسبت بسلیقه خود او بسائر اشعارش مختار
باشد (تاچه فی حیااره) است. از حقوق سفارت که جز
مقاولة یا مادام و منزله با ماد موازل نمیداند چه بهره
خواهد داشت؟ کدام پارلمنت خواهش خان واضح را
در تشکیل انجمن سری مبنی بر مضرت بانگی و سیادت
وشرف ملی و. و. تصویب میکند؟ و با آنکه جواب
مهیج و سرخ در مقابل دارد امتیاز بانگ شرق
آلمانا که کمال مضرت او بر همه چیز ایران پیدا و
هویدا است بدون غور و خوض و تصور در محاری
سیاسیه تصدیق مینماید؟ خائین دربار هر یک حاضرند
که مبلغ خطیری از اندوخته های سابقه خود که همه
را باسما مختلفه از رعیت بچاره گرفته اند این بانگ
جدید تسلیم میکنند. و بانگ هم حاضر است که عین
همان اموال را میان رعیت منتشر کرده مثلاً بعد از سه
مقابل و چهار مقابل تحصیل نفع اندکی را بساحبان
طل داده مابقی را خود ضبط کند و بمملکت خود
انتقال دهد.

ما میگوییم بانگهای خارجه ابتداء بول ندارند.
میگویم بعد از بیکاه ابد احتیاجی بصرف داران خود
ندارند، بتوسط مال ایران ایران را خواهند چابید،
کدام عاقل واقف بر موز سیاسیه عصر حاضر ضرر
باینکی دولت آلمان را بس از تمامی راه آهن بغداد
ایران کمتر از دواتین روس و انگلیس میندازد.
یکهفته قبل ملا نصرالدین روح ایران و مراکو را
در قالب دو مرغ و آلمان را در هیکل یک اسنان
که از سرا پای او حرص و آز میبارد بنطار رور نامه
خود ارائه کرده. بطوریکه آن شخص اندکی دانه در
دست گرفته و اندکی پیش مرغان ریخته و پاشیده گردن
مرغ مراکو را دراز و از ایران سرمیان بر فرو برده
مینماید. و چنان مینماید که این مرغ ضعیف در التقاط
حبات شاک است

عجب است که میگویند تراکه مرو و تکه در بازی
شطرنج هفت بازی بعد را تلفت اند. با آنکه صفحه
هیئت جامعه دول و ملل امروز حکم صفحه شطرنج
را دارد این مصور کامل بی استقبال دو روز به بعد
نبرده و گرنه همه صفحه را گردن میکشید کنایه از آنکه

اگر این مرغ در مشرق بود و حبات در مغرب حاضر
بود از مشرق بطمع التقاط حبات مغربیه عنق منکسره
خود را امتداد دهد. دانه چیست؟ چه هیت دارد؟
چه عرض کنیم؟

(خال بکنج اب یکی طره مشکفام دو)

(وای بحال مرغ دل دانه یکی و دام دو)

دام ما، دست و میلیار، بلکه خارج از حصر و
شمار. اروپائیان کلیه اگر چه مسلکشان مختلفه است.
نقطه منظوره همه یکی است وکل الی ذلک الاجمال بشیر)
چرا نباید تاکنون بی بمضار انیکار نبرده و اوراق
انتشار ندهند. فرد فرود منت را تنبیه نکنند. علم الله تعالی اگر
ملت علم داشتند و از حقوق بشریت خود واقف بودند
متفق شده دست بدست هم دادند. اگر همه دول و ملل
قادره مقتدره عالم باهم هم دست شوند یک مو از سر
ایشان کم کردن نتوانند. بدیهی است هیچ قوه یا قوه
جمهوریه اتحادیه ملیه برابری نتواند. کرد گذشته از
افغان و هندوستان و تبت و کوریا کدام خرد مند است
که از تاریخ ماضی خود ایران حال استقبال او را ادراک
نکند. از زمانیکه اروپائیان عموماً راه ایران پیدا کرده
و ایران دم از یگانگی و اتحاد میزنند در اتفاق و
وداد میگویند تا کنون چه حسن خدمت برای
این ملت مظلوم بجزی داشته اند. جز اینکه هر چه
دیدند (حتی الوتد فی الجدار) بردند. حتی شرف قومی
و سیادت ملیه هم نگذاشتند. بنقد چیزیکه قابل توجهه
ایشان باشد در ایران بی نیم جز یک چیز که خامه
طارا برای نگارش نیست. فقط در تشریح همین یک بیت
اکتفا کرده باقی را بسرعت انتقال قرآ عظام و کول
میکنم.

(با دایرم قهار محبت جو لرم شد)

(چیزی نداشتم ببرد رنگ باختم)

(۷) بقول حبل المنین حق را باید گفت و حقیقت را
نیايد نهنف. مهاده و مهاده بس است و اگر هم ما
نگویم دیگران خواهند گفت و خواهند شنفت

(نهان کی ماد آن راری کرو سارند محفلما)

(۸) سکوت با ابحال که من دارم (مسلمان بشنود
کافره بیند) بس شاق و بل لا یطاق است
(نپود بر سر آتش مبسرم که نجوشم)

حرف دیگر ماند اما گفتش
با نور روح القدس گوید ز منش
هفته آیه شروع با صل رفته میکنند

مکتوب يك از موثقين
(در حقیقت انقلابات شهر بابك)

چهار ماه قبل بین آقا سید جواد (رباطی) و خوانین (شهر بابک) بهم خورد، سید مذکور با محمد علی خان (منگلی) که در (کهن نو) منزل دارد و ارباب معتبری است با آقا علی اصغر تاجر بزدی شهر بشار و قرب بست نفر دیگر از ملاکین متفرقه هوای مجلس مقدس ملی رفتند (طهران). عیسی خان ر فرج الله خان پسرش با چند نفر رفتند (بزد). مدتی در سوال و جواب بودند، عیسی خان حکم دریافت مالیات (شهر بابک) را از (بزد) صادر نموده مراجعت کرد

از (طهران) آقا سید جواد تلگرافی به بستگان خود نموده که حکومت (شهر بابک) با عیسی خان نیست، اهالی در ادای مالیات مسامحه نمودند، باین اسم که اول مالیات بستگان آقا سید جواد و محمد علی خانرا بگیرند، بعد ما میدهم، ایشانهم در ادای مالیات مسامحه داشتند، عیسی خان جمعیتی از تشکیلی جعی خودش را از طایفه (فتحی) (مرادی) و سایر (مبندیم) فراهم آورده، رفتند (کهن نو) بسر کردگی حیدر خان (عطاء الهی) و سید یحیی برادر آقا سید جواد را در محنت در آمده نگذاشتند کسی داخل قصبه نشود، تا اینکه در بین دعوا از طرف (فتحی) ها رسم نام داماد ملا مهر علی کلانتر طایفه فتحی مقتول شد، این قتل که واقع گردید ملا مهر علی با سایر طایفه (فتحی) و (مرادی) برآفتند (رباط) قصبچه (شهر بابک) از محال (شهر بابک) می باشد (کهن نو) قریه بزرگی از محال (شهر بابک) در یکفرسخی شهر واقع است (فتحی و مرادی) دو طایفه از اهل قریه هستند از توابع (شهر بابک) حیدر خان کلانتر طایفه عطاء الهی است که در خاک (شهر بابک) مسکن دارند، مالیات ملکی به (شهر بابک) میدهند و مالیات احشامی به (کرمان)

درفریه (کهن نو) حیدر خان و سید یحیی با چند

نفر دیگر نیز که تنگ داشتند فرار می نمایند مابق گرفتار می شوند، خانة محمد علی خان که دارای ده الهی بست هزار تومان نقد بود مع سایر امانت الیت و لوازم خانه و تمام دوای اهل (کهن نو) و هر چه در (کهن نو) بود تمام و کمال غارت شد، این همه بخریک و اجازة عیسی خان بود،

در حال مقصر و غیر مقصر تو و خشک با هم سولختند، فرج الله خان در یزد است، خود عیسی خان با وجود کبر سن و معقولی (که چندین سال است حقیر غیر معنولی چیز دیگر از او مشاهده نکرده بودم) این کار را کرد، اگر اشاره از طرف اولیای دولت نبود عیسی خان هرگز بارها و قدرت چنین حرکتی نداشت، که محض بانصد تومان مالیات (کهن نو) خانة بانصد نفر رعیت بی چاره را ینما نماید این تفصیل واقعه است دیگر خود جنابعالی بهتر می دانید که اشاره از طرف کی بوده

اطراف (فارس) هم ایل عرب و غیره سر بردی و غنشاش برداشته همه جا مفتوش است، این اشاره از طرف قوام الملک و اولادش می باشد و محرك ایشان را هم خود جنابعالی بهتر می دانید کیست لازم به عرض بنده نیست، تا اسم و نشان از قوام و دست محرك هم در کار باشد فارس امن نخواهد شد، برای اینکه بنمایند که فارس بدون وجود قوام منظم نمی شود و آنوقت هر قسم میل خودشان باشد عمل نمایند، خداوند اصلاح فرماید و بر حال يك مشت ضعفا ترجم

حکومت بنادر خلیج فارس

جندی است که از وقایع گوناگون و حادثات از حد احصا بیرون در عالم بهت و حیرت افتاده بودم حال هم چشم از مطالب غیر مهمه پوشیده خلاصه را بر عرض میرساند

باعث عمده تأخیر انعقاد انجمن ایالتی و اختلاف اهالی در این سرحد منظم با آن اهمیتی که داراست و فرستادن مبعوث خودشانرا بطهران تا بحال از اثره تفاتی شناخته شده که شرحش کرارا در جریده مقدسه (جبل التین) اندراج یافته، و عامه هم طائف محترم را مستحضر داشته است،

این اوقات بعضی از اشخاص خیر خواه که در خدمت بنوع و عالم انسانیت بیقرار و در حرکات برخی ممرضین هشیارند در صدد تفحص و تفتیش پیدا نمودند ریشه نفاق برآمده ، بموجب رؤیای صادقه جریده شریفه تمدن نمره ۲۹ که از گردانیدن ناس منافقین را جسته و فهمیده بودند آنها هم ناس بی پیر را بگردش در آورده ، از بیرون شهر شروع و از هر جا گذشته تا بمنزل ایستاده و از آنجا نیز بدر خانه دو نفر از اعوان ایشان رحل اقامت انداخته جهت را معلوم و دو سبب را کشف نمودند

اول باعث نفاق و خرابی های آنها از کشتن بزر نفاق که بجهت خرابی کار بدواً شده بود نشان داد دوم آبیاری آنها از فهمیدند چه که ایشان این حال را غنیمت شمرده و گویا مأموریت هم بر این امر از داشته که حق المقدور دامنه نفاق را وسعت و انجمن ناقص قبل را بر طرف و مردم را بجان هم اندازند و بکنند و بگیرند آنچه که میتوانند و میخواهند تا اینکه داد و فریاد های جرابد و نصایح بعضی از خوش فطرتان بفرود مؤثر افتاده ، اول تبحار محترم که در تمدن مقدمتر از سایرینند بی مضار نفاق برده و معنی اتحاد را فهمیده مجلسی مرکب از دوازده نفر تشکیل و متحداً قسم یاد نموده که جناً و ملاً بداً و لساناً در انجام کار انجمن ایالتی بوشهر و فرستادن مبعوث طهران حاضر باشند ، و این مجلس را هفته بیکروز منعقد دارند

تا هنگامیکه قانون انجمن ایالتی و ولایتی رسید قرار بر این شد که روزانه بجهت غور رسی در مواد آن مجتمع و حل مسائل غامضه آنها نموده عمل کنند ، چنانیکه موجب مواد ترتیب انتخابات آن در یوم جمعه ۱۶ جمادی الثانیه شش نفر را بجهت نظارت عموماً معین داشتند و انشاء الله شروع بانخاب دوازده نفر عنقریب خواهند کرد

چون این اتحاد محل منافع اعضای حکومت بنظر رسیده ایشانرا محرك تجدید نفاق و طامع از اتحاد شده ، چنانکه کراراً در صدد ایجاد آن بر آمده و هر لحظه بشکلی خود را جلوه داده و کامیاب نگشته نیرشان بستگ خورد

دم جمادی الثانیه هیئت انجمن اتحاد متذکر از اختتام سال اول عادل و مشروطه شدت سلطنت

ایران و انعقاد مجلس مقدس شورای ملی شده قرار گرفتن جشن و چراغانی داده طامه مردم هم از شوق و شغف باطنی خود پیروی باین نیت پاک و مقصد تابناک را فرض دانسته عموماً شب (۱۴) و (۱۵) را چراغانی مفصل نمودند

از آنجائیکه وظیفه حکام و مأمورین بلاد آن است که در این مواقع بید و باز دید بزرگان آن بلد رفته موجب مزید تشویق را فراهم کنند ، حاکم رؤف ما هم پیروی و بر حسب مأموریت خود در صدد تشویق اعضای انجمن اتحاد و برهم زدن نفاق بر آمده ، فقط در منزل یکی از اعوان خود که از اول مستبد شناخته شده بود رفته از غالب محترمین مفعم که هر يك در عالم خودیکه و طاق و شهره آفاق و ذکر نام مبارک شان باعث ریا است صرف نظر نموده مستوفی را از طرف خود فرستادند این حرکت باعث بر آشفته کی شده ولی بجمداقه بخیر گذشت ، روز جمعه مکه عمل نظار ختم شد ، حکم تبدیل حکومت خلیج هم رسید

خدا کند که دست دو نفر مستبدینهم که حکم طردیکی از آنها از مجلس مقدس شورای ملی رسیده و در نمره ۲۹ جریده مظفری مندرج شده از سر مردم گونا ، و زیر بار شیطنت و ملامت او که خیانت بجای و ولی نعمت خود نیز نموده و بزهر جفا مسموم و مقتولش داشته نرفته ، بموجب امر مطاع مجلس مقدس شورای طرد و تبعیدش نمایند ، و یکمشت بی چاره را از دست ظالمانه اش خلاصی دهند ، و کسبکه منظور دولت و مات کشته در این مکان نگاهش ندارند

جناب دریا بیگی مجدداً بحکومت منصوب و وارد بوشهر شدند در این مورد از خداوند تبارک و تعالی مسئلت جناب است که در این مسافرت طهران ایشان هم تغییر حلقی پیدا نموده مزید اتحاد مردم را فراهم و معنی مشروطه بودن دولت را دانسته است بعضی اشرار و الواط و مردمان بیکار را که فعلاً از حرکات سابق دست بردار و بعضی از آنها فرار نموده اند اطراف خود جمع و سر مردم بچاره تسلط نداده نگذارند خون مسامین را بیافتن اراجیف و نهمت های گونا گون طاند زالو بکنند ، و ناموس مردم را که بتقویت و شراکت کلانتر و شخص خانق فوق الذکر دست اندازی کرده بودند نجات و به

(۹ شعبان المعظم - ۱۸ ستمبر)

§ فوج محافظ که (۹۰۰) نفر از هر فوجی جمع شده بودند روز دو شنبه از (کاسابلنکا) سمت شمال شرقی بقاصه چهار میل بیرون آمده ، اگر چه پیشتر از قبایل صرب طالب صلح اند ، ولی (جنرال درود) باز هم از کار غافل نیست ،

§ بموجب خبری که تازه از پاریس رسیده ، امنیت (سراگو) رو به بهتری است

§ تلگرافی از (ویا) رسیده که اعلیحضرت امپراطور (آستریا و مجارستان) با نماینده حکومت حبش ملاقات فرمودند

§ تلگرافی از اسلامبول رسیده که ناهالی درباب انتظامات (مقدونیا) ترتیبی داده مسوده آنرا به دول فرستاده ، این صورت انتظامیه خیلی مشابحت با دستورالعمل روس و آستریا دارد ، تفاوتی که در بین است در دخل و خرج سایر دول را قودی نخواهد بود
§ تلگرافی از (شکمائی) رسیده که جهاز ژاپنی (نیومارو) قرب (چکنگ) آتش گرفته یکصد نفر هلاک شده اند

§ منجمه دست از کار کنندگان (استورپ) دو هزار نفر به خدمتشان رجوع نموده - در آنجا از باشندگان مالک خارجه (۸۰۰۰) نفر و انگلیسای (۴۰۰۰) مزدور بوده اند

(۱۰ شعبان المعظم - ۱۹ ستمبر)

§ (مستر روزبولت) هفته آتیه در (واشنگتن) خواهد رسید و فوراً شروع به انتخاب رئیس جمهوری تازه خواهد نمود وقایع نگار (طمس) با (مستروزیبولت) ملاقات کرده مکنون ضمیرش را پرسیده - جواب داده این دفعه برای انتخاب خود سعی نخواهد کرد اما جبهه نامزد نمودن رئیس کوشش خواهد نمود - (مستر) را نامزد خواهد نمود

§ . . . از (درین) بعهده (۲۲۸۲) مزدوران جینی مرجعه با وطنان خود نمودند

§ بسبب تنزل قیمت مس تاجری از امریکا مسهای موحوده خود را به نصف قیمت میفروشد

§ امپراطور آلمان بسیاری از جنرالهای روسی را خطاب و نشان های تازه داده از آنجمله (جنرال کرو باتکین) را نشان صلیب درجه اول عقاب سرخ و خطاب (گراوگراس آفریدایکل) مرحمت نموده است
§ عهدنامه بین (فرانسه) و (کنیدا) امروز در

پاریس امضا یافت ، و بموجب این عهدنامه حقوق گمرکی هر یک بدیگری داده است

§ در (سنفرانسکو) ۳۵ نفر بمرض طاعون مبتلا و ۲۰ نفر تلف شده اند و ۲۰ نفر دیگر هم مشهوره بمرض طاعون مبتلا هستند

§ نگارنده محترمی می نویسد

◀ قابل توجه وکلای محترم ملی ▶

عدم پیشرفت مقاصد شوری بواسطه دوامر استه اول عدم اعتدای وکلای محترم به نظامه داخلی مجلس ، دوم عدم انتظام وزارت خانهها

انتظام داخلی مجلس منوط است بانك دلسوزی و توجه رئیس ، گویا هنوز جناب رئیس با آن همه دانش و اطلاع التفات بسبب ریاست خود فرموده اند خوب است بنده قدری تشریح نمایم

جناب رئیس تا امروز در هیچ مجمع ایرانی شنیده نشده که رئیس و نواب رئیس و اعضا و غیره معین شده باشد ، چرا که هیچگونه نظم و انتظامی را از جماع خود خواستگار نبوده اند ، از تعیین رئیس و نواب رئیس و اعضا درین مجمع مقدس چنان مستفاد می شد که فرض اصلی نظم و انتظام است ، و همین مناسبت نیز نظامنامه داخلی ترتیب دادند ، هرگاه فرض نظم مجلس نبود ، نه رئیس و نواب رئیس و اعضا مقرو می شد ، و نه نظام نامه می نوشتند

بعبارت ساده تر تعیین رئیس فقط براساس انتظام مجلس و اجرای نظام نامه داخلی است ، پس رئیس هیچ وظیفه دیگر جز این ندارد ، رئیس در نزد ملت و اعضای شوری در انتظام مجلس و اجرای نظامنامه داخلی مسئول است ، چنانچه اگر وزیریه از عهده وظایف خود بر نیاید باید مستعفی شود ، همین قسم است رئیس که اگر از عهده وظایف خویش بر نیامد لابد باستعفا دادن است ، و وظیفه رئیس همان انتظام مجلس و اجرای قوانین داخلی آن میباشد

حجج اسلامیه بارها از عدم انتظام شوری شکایت کرده ، اعضای پارلمنت هم بلك شكایت ازین مراتب کرده اند ، افسوس که تا کنون جناب رئیس متوجه این امر اهم نگردیده ، در حقیقت اگر از عهده اجرای قوانین داخلی و انتظام مجلس بر نمی آیند حق تاقی از ملت و دولت فرموده استعفا دهند ، چه بانضاق جمیع عقلا وضع شوری و اصول مباحثات ط ناقص میباشد ، و حال است از عمل ناقص نتیجه کلمه بیرون آید

این بنده با هزاران دلیل حسی میتوانم ثابت نمود که عدم پیش رفت کار و تضییع اوقات پارلمان، بواسطه عدم اجرای قوانین مجلس است و همین نکته موقع نیکو یوزرا داده که آنها هم تساهل و تعلل در کار نمایند اگر صد سال پارلمان بدین وضع منعقد شده و بحث نماید هیچ کار از پیش نخواهد رفت، علت اینکه جناب رئیس درین امر اهم سهل انگاری حیفرمانند ابداء مفهوم نمی شود، اگر مانع در پیش است رفع مانع نمایند، در صورتیکه حجج اسلامیه مصر در اجرای قوانین داخله مجلس و وکلای هم صد بوث شکایت داشته باشند از بی قانونی هیچ مانع در پیش نخواهد بود مگر مانع خارجی و رفع آن هم آسان است یکی از دلائل چنین میگوید که چون دولت ایران و مستبدین میدانند که اگر شورای مقدس منظم شود لاجاله کار پیش رفت خواهد نمود، این است که هر وسیله میتواند در باطن مانع از انتظام مجلس اند، ولی دکلائی محترم و رئیس معظم باید باطل السحر این خیالات باشد نه مؤید آن، امیدواریم که رئیس شورای اسلامی و وکلای محترم زیاده بر این رضا دهند که این مجلس مقدس اسباب استهزاء دیگران واقع شده، هیچ کار هم پیش رفت نه نماید، همین قدر بدانند که انتظام مجلس بالأسالة سبب پیش رفت کارها و مورث عظمت و وقار این مجلسیان در نزد خودی و بیگانه است

اما عدم انتظام وزارت خانه ها بفقیده نگارنده بواسطه آن است که همان اشخاص بی علم بی تجربه را بوزارت برانگیخته اند، و همچو تصور شده که لارم و ملزوم وزارت کالسکه و درشکه و بارک و میل است و هنوز این عقیده راسخ میباشد، که عقل در امور ملک و ملت و دولت کافی از علم است، و همین خطای صد ساله ماست، عجب تر آنکه همه یک زبان میگوئیم که سرباز نمی شود مگر بمشق و تعام ولی در وزارت جنگ ابداء علم را لازم قرار نمیدهم، و عقل را کافی می شماریم

بارها فریاد زده ایم که اگر صد سال وزوای ما بخواهند وزارتخانه های خود را بعقل خود مثل اروپا به نمایند محال است متضی المرام شود چه انتظام وزارتخانه های اروپا نتیجه علم هزاران عالمی فن و نمره تجربه چند صد ساله است، بعقل یک نفر عاقل و عالم صورت نه بندد، مگر همان وضع و ترتیب آنها را پای بند شویم،

این نکته را از روی یقین باید دانست تا وقتیکه برای هر وزارت خانه یک نفر معلم از خارجه بیاریم که باعضای آن وزارتخانه طریق اجرای امور را بیاموزانند از پیش خود هیچ نخواهیم شد، اگر در ایران وزارتخانه بود بمجرد تبدیل وزیر عدلیه عدالتخانه از میان نرفت، برای هر وزارتخانه یک معلم با تجربه کار کرده باید از خارج بیآوریم تا ماصول صحیح وزارت خانه های ما را منظم کرده اعضا را هم تعلیم دهند، ورنه ره یک شبه ر یکسال هم نتوانیم پیود

با اینکه تمام وکلا قابل اند که وزیر مالیه عالم است مع دالك مسیو (بریم) را مستشار قرار داده، ولی عیب کار این است که هنوز هم کارهای ما برودرواستی میگذرد و برای آدمها کار پیدا میکنیم نه برای کارها آدم مسیو (بریم) که با همدستی مسیو (نوز) ایران را حراب و خود را آباد کردند، امروز قابل این عهد و مقام نیست و گمان نداریم که این مرد در فنون مالیه که خیلی دقیق است آن درجه لیاقت و قابلیت را دارا باشد که بتواند تأیید وزیر مالیه را به نماید باید هر معلم که برای وزارت خانه ها طلب شود دو نکته را درباره او ملاحظه داریم

اول اینکه ازدوای استخدام شود که مصار یاتیکی برای ایران نداشته باشد.

دوم معلمی انتخاب شود که علاوه بر علم شغلی هم همان باشد و تجربه کامل در آن اداره آموخته باشد تا معلم برای وزارت خانه ها جلب و وزارتخانه های ما منظم نشود شورای ایران ر هیچ کار از پیش نخواهد رفت، و اگر نخواهیم این وزرای بی علم و بی تجربه ما خود بخود و عمرور ایام وزارت خانه ها را منظم نمایم، ابداء کار پیش رفت خود نمود، و یکدفعه استقلال را وداع خواهیم گمت و حیات پندیکی مان خانه خواهند پذیرفت، ما عاینا الالبلاغ

تلاکرافات روتر راجع بایران

(۱۱ شعبان - ۲۰ ستمبر)

عهد نامه انگلیس و روس ۲۶ ستمبر بصحه خواهد رسید و ۲۹ اشاعت خواهد یافت روز نامه (ویش) در پترسبرگ مواد عهد نامه دولتین را آنچه استنباط کرده و اشاعت داده ازین قرار است

دایره نفوذ روس از سرحد ایران و افغانستان که

سرحد روس نیز متصل بر آن است الی قصر شیرین تسلیم شده، و از آن طرف در خط جنوبی ایران الی بندر عباس در حلقه سیاست انگلیس مقرر آمد هر يك از دولتین در حلقه نفوذ خود بدون رادع و مانع آن دیگر حق کشیدن راه آهن و کار کردن در معادن و بروز هر گونه اقتدارات سیاسی و تجارتی دارند

دولت روس اطمینان بدولت انگلیس داده که در خلیج فارس هیچگونه دخالتی نخواهد نمود، دولت انگلیس نیز رسوخ تجارتی روس را در خلیج ذمه دار است

دولت روس افغانستان را تحت حکومت هند تسلیم و هیچگاه نماینده با افغانستان نخواهد فرستاد، و تصفیة مناقشات با افغانستان را ازین و بعد با حکومت هند خواهد نمود، دولت انگلیس نیز افغانستان را منبع ذخائر جنگی و مرکز اردوی سرحد قرار نخواهد داد § بوده مذمبان از رعایای روس و انگلیس فقط بملاقات و زیارت (دالان لامه) مجاز اند و بت همین حال موجوده برقرار خواهد بود، آنچه از خاک بت امروزه در تصرف انگلیس است قبضه دولت مشارالها خواهد بود

(۱۴ شعبان المعظم - ۲۱ ستمبر)

§ مخبر روز از طهران خبر میدهد که از طرف دولت مسوده عهدنامه دولتین روس و انگلیس بدارالشورای ملی فرستاده شده، و پادشاه اظهار نموده که این مسوده را دولتین رسماً بدولت ایران فرستاده اند که افواهاست شایعه در تقسیم ایران بین اهالی مرفوع و برطرف گردد

§ جنرل قونسل انگلیس مقیم تبریز محض تحقیق و تدارک منازعات سرحدی ایران و عثمانی بجانب (ارضه) رهسار گردیده است

§ در شورای ملی ایران بدولتین الزام داده می شود که هیچ گونه توجه بدفع دشمن در سرحد نمی نمایند ازین رو رعایای ایران قشون در طلب شده برای دفع عثمانیان عازم - رزمی باشند

§ قابل دقت وزارت جلیله خارجه

§ بندگان آقای - مد لدوله

هفته گذشته مخبرات پرنس ارفع الدوله را با وقایع نگار مخصوص اخبار (اندین دیلی تلگراف) نوشته

محض اینکه ارفع الدوله اشتباه کاری نتواند نمود عین آن اخبار که آن تلگراف را درج نموده و انگلیسی بود نیز بمرکز لازم فرستادیم، اینک عین مراسلاتیکه از ارکان حرب عثمانی و اکراد سرحدی دولت مشارالها بدست آمده از روزنامه شریفه فریاد که در ارومیه طبع می شود نقل می نمایم

§ نقل از روزنامه شریفه فریاد

(منطبعه ارومیه نمره نوزده)

(۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۵)

§ صورت مکتوب امرالله نام از

§ ضابطان ارکان حرب عثمانی که به يك از

(بيگ زادهای ایران نوشته است)

مکتوب شاه رسید، بتاريخ هفتم ماه حال رومی دو طاہور پیاده نظام و شش مراده نوب در تحت ریاست یکنفر قوماندان میرآلای از وان حرکت کرده، امروز وفردا از (باش قلمه) به (سعید) و (کوار) خواهد رسید، و از آنجا آمده طرف برده صور خواهم راند و يك نفر از عساکر ایران در آنحوالی نخواهم گذاشت

سه چهار روز تأنی لازم است در وقت استخبار مواصات (طاہور) به (کوار) مکتوبی به بنده بفرستید شاید وظیفه دیگری هم برای شاه معین نمایم، امری که تاکنون نگرفته بودم، حالا گرفتم اینک خواهید دید که عسکر ایران بچه حالی خواهد افتاد، همیشه در که قبل از مواصات قوت و استعدادیکه از وان می آید من خودم يك کار دیگر خواهم کرد، چون بدینگونه امر داده اند، بدر خان بيگ محمد سید تاج بيگ و سایر بیگهارا سلام مخصوص برسانید، از قراریکه میگویند چنگیز خان بيگ در اردوی ایران می باشند، ندانم درست است ؟ ...

امضاء ارکان حرب

مهر امرالله

§ سواد کاغذ شیخ محمد طه پسر دوم شیخ

(صدیق توجه است که در تاریخ ۱۰ جمادی الثانیه)

(۱۳۲۵ نوشته است)

عالیجاه عزت همراه کرکین بيگ سررتبیب سلامت بوده باشید - بعد چندبست خود داری نموده مخابره با شاهان کرده، دیدم سلامت و حماقت شاهان از حد

بیرون گردید ، مدتی است پریشان و تفرقه شده و به
 عیولیت تصاحب‌داری دولت علیه عثمانیه با ایران بنای
 جنگ و نزاع گذاشته و حسب الامکان بقدر طاقت ناموسی
 کافی هم کرده و گرفت و گیر نفوسی در میان ایران نیز ...
 باین همه حسن اتفاقات حایه بحد توضیح معلوم گردیده
 که بموجب اراده سنییه بهمه حال که دولت عثمانی از
 شاهها تصاحب‌داری مینمایند ، و در این فقره بصورت
 شدت اراده سنییه صادر شده و سواره حمیده و افراد
 شاهانه تماماً در حرکت آنجا هستند ، و یقین است که
 سرباز ایران را از ترکوره بیرون می نمایند ، با این
 همه اسباب حسنه که برای شاهها اتفق افتاده بقول
 مجدالسلطنه و غیره فریب خورده‌اند ، مشغول دحواله
 و رد بدل و تقدیم رشوت هستند ، اسف بر حال شاهچه
 غیرتی دارند ، بدست خود تان خودتان را فریفته
 مکر و حیله ایرانیان مینمایند ، نگویید فلانی با ماها
 خویش بود صلاح کار را ما اشتهار نکرد ، آنست عرض
 برای قطع لسان کله گویان می نویسم :

شاهها هر يك اسمی دارید ، عیب و قبیح نیست غلامی
 بعضی کسان می کنید ، مسلم بدانید هر احدی ارشاه داخل
 زدوی عجم بشود ، همینکه رفته دیگر باز نخواهد آمد ، دیگر
 چه حاجت برد کردن مال غارتی عجم ، و رشوت دادن ،
 و خود را مبنفوض کردن در نظر اولادی امور دولت علیه
 عثمانیه ، رشوت دهید و به اطاعت نمانید و نه مال غارتی
 ترا پس بدهید ، هر وضعی باشد ده روز دیگر ایرانیان
 را اغفال نمانید ، و اصرار وقت با ایشان کنید ، تا اقدامات
 مجدانه دولت علیه عثمانیه را از شاهها معلوم میشود ،
 خدا عقبتان می دهد ، بعد از غلبت خود را مغلوب
 عجم و مبنفوض روم می نمانید ؟ ...

مدت اقامت مجد السلطنه کم مانده به او مفرور و
 خریب خورده نشوید ، اصرار وقت کنید تا انشاءالله تمامی
 عساکر شاهانه در این روزها مبرسند . اراده سنییه را خودم
 دیده و خوانده‌ام ، امر شدید است ، به عجم مفرور نشوید

فی ۱۰ شهر جمادی الثانی

(ایضاً)

عالیجاء عزت و نجات همراه شجاع لشکر
 (قوردویک) انشاءالله با سعادت فی الدارین باشند بمنه
 و کرمه . و پس از سلام و افره و عنایت متکثره

مشهود رأی شریف شود که مکتوب ذی شرافت
 شرف وصول بخشید و هر آنچه در او نگارید باستخبار
 عساکر شاهانه بود ، محقق بدان که يك طاہور با شش
 توپ داخل قصبه باشقامه شده اند ، و دو طاہور با
 دوازده توپ با یاور بیک روز دوشنبه از بلده وان
 حرکت شده و کرده اند ، اصح و بلا شبهه با شکایت
 و امداد شهبان آمده اند و کار دولت است و خدمت
 مدتم نیست و تا پنج شش روز دیگر توقف فرمائید
 و سبر کنید و استخبار خود از طرف دولت عجم
 باره قسح مکنید تا از احدی الجبیب خلی نباشید
 و مقاوله و خبردار خود با ارکان حرب دانما خبردار
 مائید ، و برشش خود کم نه کنید ، و تا پنج روز دیگر
 طاہور بناحیه (مرکور) خواهد رسید و از آن
 پس امر و اراده خود مائید ، اگر خوف شما از ولایت
 عجم باز داشت با دولت خود مدارا کنید والسلام

ایضاً

(سواد مکتوب رسنم یک)

جناب جلالتمآب بدرخان یک وقوط یک ادم الله
 اقباله
 بعد از اهدای تسامات و افره اینک که چند روز
 است مردمان ماها از خدمت عالی عودت نموده
 قطعاً از احوال شاهها خبر نداشته ام ، چونکه مقاوله
 شما با یوسف آن بود که جناب شما نسیحه کار خود بر آیم
 بنویسی ، تا الحال چیزی اظهار نکردی ، جناب ارکان
 حرب امر از اراده حلافتنهای ستابده است که طاہور
 های عساکر والایه حمیدی سوق (مرکور) و
 (ترکوار) بکنند

مبادا با عجم مصالحه بکنید ، آنوقت در میان دولتین
 معدوم شوید ، لکن بوقتیکه زانی ما عجم برای گذراندن
 زمان عیب ندارد ، اما تا ده پانزده روز دیگر خود را
 گرفته مصالحه نکرده باشی ، تا ده روز دیگر یقین بدانید
 سخن صریح ارسال خواهد شد

دیگر حمید پاشا سلام مخصوص رسانیده میگوید
 الف البته خود را تسلیم عجم نکرده باشی ، چند روز
 دیگر صبر کرده فقط با عجم مخبره نبریده و اموال
 خود را ضایع نکرده ، خلاصه تا ده روز دیگر با عجم
 به مخبره بگذرانی تا از این طرف خدمت‌ها اظهار شود

و از طرف عجم هم مابوس نباشی، بجهت سؤال و جواب
شاهها از ارکان حرب می کنند، البته از ارکان حرب غافل
نباشی، پیوسته بخبره بکنید با ارکان حرب زیاده والسلام
(محل مهر - رسم)

(حاشیه)

هم چیزی محتاج باشید از حکم و غیره بنویس
ارسال خواهم کرد - ایضاً ، یوسف و محمد مخصوص
دست شریف بودند - قدره درست نشده دوسه روز
دیگر درست خواهد شد

جبل المتین

جایی سوختن دل ایجاب است که رسماً از طرف
وزارت جلیله خارجه ایران بجمیع نمایندگان اول خود
این مراتب اطلاع داده شده ، و رسماً بسفارت کبری هم
اطلاع بخشیده بودند ، معذک این سفیر مرتاباً غرض
دوات متبوعه خود را در جمیع دنیا بدنام می نماید و
تمام الرافات را از دوات عثمانی مرتفع و حمل بر دولت
خود متبوعه خود میکند و ما در شماره هفت بر حسب
رپورتیکه از مرکز یافته بودیم اشاره بر همین مراسلات
و مراسلات دیگر نمودیم

حرف دو کلمه است تا ارفع لدوله در سفارت
الامبول باشد رفع این غائله را دولت عایه با شرف
نتواند نمود ، ایرانی را در خاک عثمانی حوار و ذلیل
نموده ، عزت خویش و استقامت مأموریت خود را
درین حرکات ناشایست ، دیده است بآلتیکش چنان اقتضا
عموده است که باین دسائس دولت متبوعه خود را مشوش
و پریشان دارد تا سبب برقراری مأموریت او گردد
ولی سهو و خطا نموده ، ازین و بعد این پلنیکها بخرج
نمیرود ، حالا دیگر مانند دم بز یک اینگونه پلنیکها
بالا زده شده جز رسوائی هیچ بار نیارد

اعلان

تاریخ سر جان ملک مصور که نقشه ایران
را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط
خوب ، در نمبر ۱۶ و کتوریا رود - کریس
لین ، مازگام ، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود
صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین

کلکته بقیث دوازده روپه بفروش میرسد ،
اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر يك
از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند ، نقشه
ایران نیز علیحدده بقیث دو روپه بفروش میرسد

ایضاً

بومیه جبل المتین با مسلاک و مشرب پانزده
ساله خود در طهران اشاعت می شود، هر کس
در هندوستان طالب باشد در کلکته
باداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک
خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره بومیه
جبل المتین) رجوع نماید - قیمت سالانه در ایران
سوی طهران چهل و پنج قران و در ممالک
خارجه عموماً سی فرانک است
(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون
که بوضع شاهنامه نگاشته شده، و دارای ۵۸ عکس های
حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده
هر کس خواستگار باشد باده اداره جبل المتین کلکته رجوع
نماید قیمت در هندوستان سه روپه ، ایران يك تومان
اجرت پست به ذمه خریدار است

کانفرنس صلح عمومی لاهی

(دولت علیه ایران)

(مسئله حکمت مجبوری و نطق نمایند ایران)
در باب حکمت مجبوری و محسنات این قاعده
مطلوبه جناب ممتازالسطه نمایند ایران در کنفرانس
نطقی کرد ، که اسباب تحسین و تمجید عمومی گردید ،
و باندازه از خوب بچشد که از لاهی بجمیع روزنامهها
اجال آنرا تذکرات کرده بودند کلاً از طرف
کنفرانس (بطوریکه از صورت مجالس معلوم است
رئیس مجالس در ضمن نطق خود با دلایل آن مؤکداً
اظهار کرده است) قدغن است که مذاکرات کنفرانس
و مضمون نطق هائیکه می شود بوزنامهها داده نشود

این است که کمتر روزنامهها از مراتب مطلع میشوند و فقط از طرف کنفرانس مسیو (پروروز) وزیر مختار روس مقیم برزیل معین شده و اجمال مذاکرات مفیده را به نمایند های روزنامههای بزرگ می گوید

اجمال نطق جناب ممتازالسلطنه جون خلیلی اثر خوب کرده بود بهین طریق بروزنامهها تلگراف کرده بودند و در روزنامه (اندباندانس باژ) که روزنامه اول بلژیک است و سایر روزنامهها در تاریخ بیست و سه ماه ژوئیه تلگراف مزبور این طور ثبت و منتشر شده است لاهی بیست و هفتم ژوئیه مسئله حکمیت مجبوری

صمد خان ممتازالسلطنه نماینده ایران متذکر محسنات مسئله حکمیت شد و ترقیات آنرا در کنفرانس خواطر نشان کرده و گفت که هیچیک از دولیکه درین کنفرانس نمایند دارند منکر عظمت محسنات این مسئله مهمه نیست و قرارنامه که در این باب در این کنفرانس منعقد خواهد شد شاید محبوب ترین دسته کلی است که ما مأمورین می توانیم که در موقع حرکت خودمان از لاهی به ملی که مارا مبعوث و روانه این کنفرانس کرده است تقدیم نمایم .

دولت ایران مکرر حقانیت و عدالت حکمیت را در مسایل متنازع فیه جسته و یافته است و حالا هم امیدوار است که ناز بهین طریق بمقاصد مشروعته خود بایل گردد ، اطاق معزی الیه متذکر شد بکلانیکه مؤسس معظم کنفرانس اول و کنفرانس ثانی در بیان مقاصد عالیه آنها که استحقاق صاحب عمومی است فرموده و خاطر نشان نمود که فرمایشیکه امپراطور روس هشت سال قبل فرموده حالا هم بحالت حالیه بهترین سرمشق میباشد

پس در این صورت تکلیف ماها است که سعی نمایم که اگر باین مقصود مقدسه حکمیت مجبوری کابلیق هم میتوانیم برسیم اقلام مسافق در راه این خیال عالی پیروده باشیم، و بتوانیم بالاخره از کتب خودمان خارج نمایم این کلام مشهوری را که گفته اند (اگر طاب صاحبید حاضر جنگ باشید)

بعضی روز نامه های بزرگ هر شکلی است نطقها و مذاکرات مفیده مأمورین دول را بدست می آورند، و بتوسط بعضی از اعضای مجلس و یا منشی

های دفتر و چاپ خانه هر طوری است اغلب آنها را گرفته چاپ و منتشر مینمایند، عین نطق جناب ممتازالسلطنه را هم همین طور گرفته پشت سر همان تلگراف بروزنامهها فرستاده بودند و اینک ترجمه عین مضمون روزنامه مزبور را ذیلاً می نگاریم

اندباندانس باژ چهارم ماه اوت هزار و نصد و هفت در ضمن شرح گذارشات کنفرانس صاحب عمومی بعد از تحریر اجمال مذاکرات مجلس آخری در باب نطق نماینده اول ایران این طور می نویسد

در نمره ۲۹ ژوئیه اندباندانس باژ اجمال مذاکرات مأمورین دول را در باب حکمیت مجبوری نوشته ام چندین نطق فصیح در کنفرانس در آن باب کرده اند که طرف توجه عمومی شده و در میان آنها بیشتر از همه نطق صمد خان ممتازالسلطنه و زیر مختار ایران مقیم پاریس نسبت بسایرین بر حسب بیاناتی که در باب حکمیت مجبوری کرده طرف توجه شده، معزی الیه در ضمن نطق خود بر اثبات آن پرداخت که حکمیت مجبوری اسباب صالح دائمی خواهد شد، اینک عین نطق وزیر مختار معظم الیه را که در کنفرانس در میان همقطاران ایشان خیلی محل تحسین و تمجید گشته و معزی الیه را بیشتر محبوب القلوب نموده است تحصیل کرده و زینت روزنامه خود مینمایم و آن این است آقایان عظام اگر برخواسته و می خواهم مراتب ارادت خود را بر اساس مسئله حکمیت که مطرح مذاکرات ما است تقدیم نمایم، ابدأ خیال آنرا ندارم ، که در بیان محسنات متبینه و خدمات بزرگ این اساس بعموم مال بدون استثناء بطول کلام به پردازم و آنکسی تطویل کلام در آن باب بعد از این خطبه ای که در این مجلس خوانده شد لزومی ندارد

مدتها قبل از اینکه اصول حکمیت بواسطه قرار نامه راجع بر اصلاح منازعات بین لدول (مقصود قرار نامه کنفرانس اول است) مقرر شود همانا اقتضای طبیعت مراودات بین الملل خود چندین دولت را که یکی از آنها دولت هولند است و در آن موقع مسند شرافت حق او است ، و ازار بر آن کرده بود که میناف خود شان قرار نامها بسته و منازعات خودشان را در مسائل راجع بر معانی

و توجه قرار نامهای خودشان مجبوراً رجوع به حکمیت قضاة بی طرف نمایند

همه شاهها میدانید چه ترقی سریعه خارج ازحد تصور مسئله حکمیت بعد از آن کرده ، و تا چه اندازه اساس آن محبوب القلوب تمام دنیا شده اگر بگویم که تمام مال روی زمین هر یکی از آنها معلوم است بشکل و طریقی دیگر عازمند و سی دارند که حتی الامکان خودشان را بمقام عالی حکمیت مجبوری برسانند و در اینکه در میان تمام دولتی که در این کنفرانس مأمور دارند در لزوم و محسنات این اساس ابدأ شك و اختلاف رأی نیست ، ابدأ مبالغه نکرده ام خود این مسئله که با کمال خوشوقتی به بیان آن پرداختم اسباب کمال امیدواری من است که در هر صورت قبل از اختتام این مجلس و مذاکرات ما محققاً قدم بزرگی در سر زمین حکمیت پش خواهم گذاشت ، و شاید قرارنامه جدید بین الدولی که از این مجلس بعرضه وجود خواهد آمد تشنگ ترین دسته کل خواهد شد که در موقع حرکت از این مملکت مهان نواز همه ماها باوطن خود قدیم خواهیم نمود دوات امپراطوریکه مرا شرف نمایندگی آن هست دفعات عدیده اوصاف و عدالت را در اصول حکمیت جسته و یافته است و عقیده ما بر این است که امنیت عمومی حاصل نمیشود مگر از تکمیل این اصول مقدسه و حصول مسائل بسیار مطلوب دیگر (مقصود ترك اسلحه وغیره است) ممکن نمیشود مگر از استحکام امنیت

از مراسله رسمی ۱۹ مارس سال گذشته دولت امپراطوری روس معلوم میشود ، که کنفرانس اول صلح با چه امیدواریها آتیه اختتام پذیرفته اجازه بدهید که فرمایشات بس متین بانی کنفرانس اول و کنفرانس دوم را متذکر بشوم (مقصود امپراطور روس است) که می فرمود بقایای صلح عمومی و تخفیف حتی الامکان اسلحه که روز بروز اسباب سنگینی بار ملک میشود امروز و در وضع حالیه دنیا بالاترین مقاصد مقدسه بی نوع انسان است و باید تمام دول با کمال قوت بطرف آن بشتابند آنچه ده سال پیش (این حرف را امپراطور

روس ده سال پیش گفته بود) راست بود امروز بطریق اولی صحیح تر است ، و برای اینکه باین مقصود مقدس برسیم اولین تکلیف ما کار کردن در زمین حکمیت است ، و اگر این دغدغه هم بکلی باین مقصود نسیم باز واجب است که با کمال سی و حسن نیت بطرف آن طی مسافت نمایم ، جوینده یابنده (فرمایش حضرت عبسی (ع) بجزو تا بیایی)

آقایان عظام باوجود اینکه موانع طبیعی سر راه این مقصود طبعاً در پیش داریم باز با کمال امیدواری در آتیه این اصول و بدون اینکه ذره در عقیده ما سستی حاصل شود ما هم با زور و پیش روان این مقصد مقدس حکمیت مجبورسیه همراه و همسفر خواهیم بود

سفارت ایران حاضر است که در مسئله حکمیت زبری مساعد خود را بشکلیف هر چه وسیع تر و هر چه عالی تر (مقصود حکمیت مجبوری است) بدهد و باندازه خود سی خواهد کرد که در میان آن تکالیف بر طالع و اقبال آن یکی از آنها که بتواند در آن واحد بیشتر رو بمرکز همان مقصود مقدسه باشد (یعنی حکمیت مجبوری) و ضمناً با لطبع موافق میل و مطلوب هر چه بیشتر از دولی که در این کنفرانس نمایند دارند بشود (مقصود این است که اگر حکمیت مجبوری عجزاً ممکن نشود اقلاً چیزی باشد که نزدیک بر آن و مطلوب عمومی واقع گردد) بیفزاید

آیا نباید روزی بر ما میسر بشود که بتوانیم از کتب خودمان خارج کنیم اصطلاح مشهور تاریخی را که می گوید اگر طالب صلحید حاضر جنگ باشید آقایان محترم اجازه بدهید این چند کلمه را هم زحمت بدم چند روز قبل بر این شاید همه کس می توانست با خاطر نشان نماید خوبی را که در نتایج این مجلس عالی در خارج این چهار دیوار محسوس بود

اما امروز بمحذاه خوش بختانه همه اینها عرض شده و همه ماها از مشاهده اینکه فتح و غلبه همراه مقصود عمومی شده خوش وقت هستیم

اینک افق کنفرانس روشن شده و حرکت بطرف مقصود برای ماها آسان گردیده است (سفیر کبیر آلمان لطقی کرده بود مبنی بر همراهی دولت آلمان

بیمو مساعدت اساس حکمیت و این اشارات جناب
مختار السلطنه خطاب بمعزی الیه است
این بنده شخصاً همیشه امید خیر داشته ام و
بعقیده من از برای تحصیل مقصود همیشه امید راحی
در موقع ناامیدی و یأس هم باید از سر گرفت
برای ترتیب و تحصیل نمره مطلوبه مرزعه بسیار
در سیاهی در جلوداریم، و لهذا دور از اقتضای طبیعت
است که ما با وطن خودمان با دست خالی برگشته
دول خودمان را با خیال واهی پر بودن دست خودمان
خوش داریم

آقایان عظام متوجه باشید که افکار و عقاید
عمومی متصل در کین ما است

بعد این خطاب جناب ممتاز السلطنه چنانکه از
صورت مجلس معلوم است تکلیف دول متفقہ آمریکا
شمالی را مجلس قبول کرد، و ضمن قرارنامه خواهد
شد، و بموجب آن من بعد هیچ دوائی نمی تواند
بدون رجوع به حکمیت در سر طالب رعایای خود
از دولت دیگر با دولت مزبوره بمقام جنگ و منازعه
برآید و یا کشتی جنگی به بنادر آن بفرستد

در این باب عجالتاً حکمیت مجبوری شد و اشاققه
مژده های دیگر هم در این باب در تالی حواصیل
نگاشت

مکتوب کرمان

هشت ستون اوراق جریده مقدسه شماره ۴۳
را دیدم که از سواد تلگرافات تظاهرات دلسوز
طایفه زرتشتی در خصوص قتل پرویز شاه جم
رئیس اداره جمانیان و جوابهای رنگین و عبارات
شیرین اولیای دولت قوی شوکت بود، ولی چه سود
و کدام بهبود که نا امروز انوی از بروز نتیجه
جوابهای رنگین شده، همین عبارات شیرین بازها
کردند و خون پرویز بیگناه را پاهال نمودند، و آخرش
نتیجه این بود که الواظ و اشرار خبره شده در شب
هیجدهم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۲۵ هجری در
خلیل آباد جنب حسینی دو نفر اوباش دیوسپرت
تقی برخانه فریبرز نام جوان سی ساله زارع زرتشتی
رفته در عین خواب پهلویش را بکار د آبدار جا کیده
و زدنش را نیز زخم منکری زده فرار کرده بودند و از

طرف انجمن ناصری تظاهرات لازمه بصدارت عظمی
و مجلس مقدس وغیره شده، عموماً بجوابهای رنگین و
عبارات شیرین و کلمات دل آوبر مینوازند و بازها
میورزند تا خون بیگناهان را پاهال کرده اشرار و
اوباش را بیشتر جسور و خبره مینمایند.

چنانچه امروز منشور اعیان حضرت قدر قدرت هاپونی
و فرمان مجلس مقدس و حکم آقایان حجج اسلام دامت
برکاتهم و بنده فلك زده را سیک نظر دیده همه را
مهمل و مضمحل میدانند و هیچ يك اعتنائی ندارند
مثلاً در قرة قتل پرویز شاه جمهان از طرف اولیای

دولت ابد مدت و مجلس مقدس و آقایان حجج اسلام
طهران قدری تلگرافات اکیده رسید که اگر از آن
ورقهای تلگرافی میدان توپخانه طهران را فرش کنند
مزید از آن خواهد بود، بهیچوجه هیچ يك از آنها
مطاع و معتنا نشده همه را بهیچ و بوج شمردند روز
روز بر شرارت و خبیثت افزودند

آری حضرت اکرم آجودان حضور این با اخذ مبنای
گراف از خون خواهان بیچاره و بزد آمده قاتل
و محرك را معلوم و معین کرده مدتی بفرمانهای رنگین
عبارت و منشورهای با فصاحت دلخوش و سرگردان مانده
کاری از پیش برد، و آخراً بستوه آمده راه خود سپرد!
حضرت عالی اکنون سالهاست که در عالمک دول

خارجه سیر و سیاحت فرموده، میدانید که اگر یکی
از اشراف هند منسیر قلمرفته احضار بدارا خلافت
لندن شود و در حرکت او نفسی تأخیر افتد، دولت
بهیچ انگلیس محض نفوذ منشور و استقلال امر دولت و
انباء رعیت ولو باید حکومت هند را زبر و زبر کرده
انصف خاقش را بدم شمشیر بر اندازد دروغ ندارد
نافرمایش مهمل و مجمل نماید.

ولی امروز خفت و ذلت دولت ابراف بجائی
رسیده که حاجی میرزا آقایی بزوی در مصالحی
عام بمجملایمی بر شورانیده مساج خود برملا
میگوید، که اگر پادشاه مرا بطهران احضار کرده
بود من بهیچوجه اعتناء نداشتم، ولی درین موقع آقایان
حجج اسلام مرا محض استصواب و اصلاح مجلس
شورای ملی بطهران خواسته اند، حالا چون صلاح
شهاها برفتن نیست منم نمیروم! فقط اعتنائی که بآن

به (سرنیکولس) سفیر دولت مشارالیه در پترسبرگ نگاشته اختیار دستخط نمودن بر عهدنامه دواتین روس و انگلیس را داده و ضمناً می نویسد که فصول قرارنامه درباره ایران راجع بر آن نقاط است که با حدود روس و انگلیس متعلق میباشد، و در ماده خلیج فارس که تمام در ملکیت مطاقه ایران نیست فصلی علاوه لازم میباشد که در عهدنامه تذکره شود، چه بر سواحل خلیج اختیارات دولت انگلیس پیش از صد سال است مسلم شده و دولت انگلیس را خیال بر این است که در این فقره اگر مشکلی پیش آید تصفیه آن چندان اشکالی پیدا نخواهد نمود.

البته دولت روس هم مقرر است بر اینکه اختیارات و نفوذ دولت انگلیس بر خلیج فارس از قدیم بوده، و این امر تازه نیست، و این فقره را دولت انگلیس بجهت عذبه تشریح نموده و بجهت مسبق داشتن اینکه این عهدنامه را با اختیارات انگلیس در خلیج فارس سروکاری نیست، و اختیارات انگلیس بر خلیج فارس هیچ وجه مخرف میباشد، دولت انگلیس مجده یا آوری می نماید که اختیارات انگلیس بر خلیج فارس بعنوانی که قبل بود بر قرار خواهد بود، و در خلیج فارس تجارت انگلیس قائم خواهد ماند، ولی مانع از تجارت دول دیگر هم نخواهد شد، بندرعباس از تمام خلیج که تصریح درین عهدنامه شده بواسطه سرحدیت آن بر هندوستان است، که دولت انگلیس را استحقاقات آن لازم آمده است

تشریح

(۱) باید دانست الفاظیکه در ابتدای این عهدنامه نوشته شده که دولتین روس و انگلیس متمم آزادی و امنیت ایران اند مبنی بر سوق کلام و رسم و رواج است، مثل آن که هر ملت در مکاتیب خود بعضی عناوین دارند مانند (عرض می شود) و (فدایت شوم) که هیچ مفهوم خارجی ندارد، الفاظ ابتدای عهدنامهجات هم همین قبیل است که حشو و زائد و تکیه کلام سیاهیون میباشد، و چون معمول به جمیع ارباب سیاست است، احدی هم در این الفاظ بانها معترض نمی شود، هیچ دلیلی در تکذیب این کلمات بهتر از آزادی مطاقه

که در نقاط معینه مذکوره الذیل همزه املیت قائم، و هیچ يك ازین دو دولت در اغراض آن دولت دیگر در نقاط معینه راجعه بایران دست اندازی نکند، بدین مناسبت شروط مرقومه ذیل را در حق یکدیگر امضا میدارند.

(۱) دولت انگلیس اقرار می نماید که در شمال ایران موافق خطی که از قصر شیرین براه اصفهان - بزد و خاکی تا برسد بسرحد ایران و افغانستان و روس اقدامی برخلاف مصالح و منافع دولت روس ننماید، و نه حمایت و دست اندازی کند در امتیازاتی که دولت روس در حصول آن از دولت ایران سی نموده و خواهد نمود

(۲) همین قسم دولت روس اقرار دارد بر اینکه در جنوب جنوب مطابق خطی که از سرحد افغانستان براه گازک و برجند و کرمان تا برسد به بندرعباس مداخلت برخلاف دولت انگلیس ننماید، و شروطی را که دولت انگلیس بمرجب فصل اول تبیل نموده دولت روس هم نسبت بدولت انگلیس بای بند باشد. دولتین مذکورترین تسلیم دارند که رعایای شان تردد و همه گونه حجاب منافع در حدود نامزده دولتین متبوعین خود میتوانند نمود. و عملاً امتیازات و حقوقی را که هر يك دارا هستند بدون مانع و رادعی دارا خواهند بود.

(۳) قبل از صورت گرفتن این عهدنامه وجوه استغراضی که دولت ایران از (امپریال بنگ انگلیس) یا از (گورنمنت بنگ روس) نموده اگر در ادای آن خلاف معاهده و مساعجه ظاهر شود دولتین مذکورترین میتوانند جبهه و سول اقساط خود بر گمرکات ایران که مکفول است در حدود مذکوره خودشان قابض شده، تا اختتام عمل به دخل خود داشته باشند، و اقدام در این عمل بر حسب سلاح و مشورت دولتین باید باشد تا امری برخلاف اغراض این عهدنامه پیش نیاید

(۴) رعایای دولتین در آن قطعه آراد ایران که فاصله الحین قرار گرفته میتوانند اقدام به تجارت نموده امتیاز نه بر راه آهن و کار کردن در معادن و غیره را از امپراطوری ایران حاصل نمایند

(۱۶ شعبان - ۲۵ سپتامبر)

§ (سرادوردگری) وزیر خارجه انگلستان در خطابه

ایران نیست، دولت ایران دست نشانده نبوده که حالا او را آزاد نمایند محض نبوت این مدعا خوب است قدری توجه نمانیم به تلگراف روزی که از توکیو درین هفته رسیده برعالمیان ظاهر است که دولت ژاپون کوریا را رسماً جزء ملک خود اعلان داد، امپراطور معظم او را خلع کرد دیگری را بجای او نشانید، تمام افسرهای لشکری و کشوری کوریا ژاپونی، قوانین ژاپون در او جاری، تجارت کوریا خاصه ژاپون، مالیه کوریا در قبضه ژاپون با این حساب ارباب سیاست ژاپون می گویند (ما آزادی کوریا را محفوظ داشت، انتظامات فوق العاده برای ترقی کوریا مد نظر داریم، و نا وقتی که اهالی کوریا سرکشی از انتظامات ژاپون نه نمایند ژاپون کوریا را قبضه نخواهد نمود)

و حال آنکه هیچ دقیقه از قبضه کوریا باقی نمانده، ولی الذل و دل خوشکن امید بخش را تکیه کلام خود قرار داده که هیچ منای خارجی از آنها منظور نداشته اند، و همین هم مبنی بر سیاست میباش که اهالی تصور ازید، بدتر را برای خود نموده آرام باشند، و همین الذل و دل خوش کن سکوت اختیار نموده تا پیرامون هرکس دست از جان بشوید آنچه در دل دارد بگوید نگرند یعنی ملت منقسمه یا مفتوحه دست از جان شسته کمر بر مخالفت غایب نه بندند .

هرکس اندک نظر دقیق ساج خود را وسعت داده در این گونه مساعدت دول توجه نماید، خواهد دید تمام بريك بريك و سابق بسته شده، و همه از یکدیگر سخن رانده، و نتیجه همه هم يك ظاهر شده است، عنوان معاهده مصر، مراکو، افغان، تبت، ایران، ازین بالاتر بروید معاهده روس، یونان و فنلند، و انگلیس با پادشاهان هند، و فرانس با مدیکاسگر، و سیام و انام و غیره همه بیک اسلوب و یک منشا و فرض بسته شده است

(۲) از پنجاه سال باین طرف این گونه عهد ایجاب ر نمودن اسم گذارده فقط برای رفع وحشت اهالی باشند از تهذیب انظمی و مشهور نیامدن بظلم و تعدی تا سایر حکارائیکه مد نظر دارند رم نه نمایند، ورنه بر هر کس که اندک بصیرت از اوضاع علم دارد روشن است که اینگونه مساعدت ابدی ربطی به تجارت

ندارد، این گونه مساعدت باتیک تاب و اقتصاد خاص و ملک گیری بی خون ریزی است، و هر کس با غیر این ضمهاند، عم از خودی و بیگانه دوست و دشمن یا احق و الله است، و یا میخواید ما را فریب و غادهد

اینک چون نفوذ تجارت و عهد نامجات بدین اسم هم بین عامه مفید برخی وحشتها گردیده، و اثرات زشت نموده و نفوذ تجارانی تالی با که عین رسوخ سیاسی شناخته شده، اصطلاح تازه درین عهد نامه اختیار نموده معاهده یا تقسیمات (جغرافیائی) نام نهاده اند، به رده تازه میگویند این تقسیمات (جغرافیائی) است که در تیره روس و انگلیس درباره ایران نموده اند، و هیچ گاه مضاری بایران وارد نیامورد، این نکته را هر کم مدکی میتواند استنباط نمود، که اگر این معاهده نافع حال دوائی انگلیس و روس نبود چرا دو سال درین ماده زحمت کشید، تا ترتیب دادند، معلوم است اگر نافع بحال خود تصور میکردند این قدرها درین راه زحمت نمیکشیدند، در صورتیکه انتفاع دوائی درین معاهده تسلیم شد، ضرر ایران مسلم است

مقصود این است که این لفظ تازه را محض پر کم کردن بر ما اختیار کرده اند، ورنه تمام قصد شان ملک گیری و شاهنشاهی و جاب منافع سیاسی و ضمناً هم تجارتی است، لفظ فرق کرده، در معنی و قصد هیچ تفاوتی پیدا نشده است

(۳) ایران از روی این معاهده دوائی بر سه سه - سه تقسیم شده، از قصر شیرین گرفته الی اصفهان و یزد تا برسد بسرخد ایران و افغانستان و روس که کرمانشاهان و همدان و کردستان و گیلان و مازندران و آذربایجان و تمام صوبه خراسان و عراق و غیره حصه روس قرار داده شده

از سیستان و غابین و برخند تا برسد بمحدوده بلوچستان و کرمان و منتهی شود به بندر عباس و خلیج فارس تا دهته شط العرب و قرب کاروف قسمت انگلیس تعیین یافته

حصه آزاد کما فاصله حدین منقسمه یا ملک محروسه امپراطوری ایران قرار داد، مانند عبارت است از شیراز و نصف کمتر از خطه فارس و نصف بیشتر از خوزستان که جمله را اگر بساحت آورند کمتر از

ایالت خوزستان خواهد گردید ، و تمام نفوسش بیک میلیون بالغ نمی شود (*)

(۴) این بیک ایالت کوچک را هم که بنام امپراطوری ایران تعیین نموده اند ، در آن نیز رطابای دولتی در تجارت و جلب امتیازات و ساختن راه آهن و کار کردن درممان آن برادرانه و دوستانه سعی و اقدام خواهند نمود ، چنانچه اینک در همه ایران می نمایند

(۵) مخفی نماید که تصریح به آزادی ایران و ترقی در آبادی و تجارت آن بزبان بلتیک عبارت از همین قطعه است که از موضوع تقسیم خود خارج قرار داده اند

(۶) برای بدست آوردن بهانه در تصرف و قبضه حصص منقسمه خود علاوه بر حفظ امنیت و محافظه حقوق سیاسی و تجاری و وصول مطالبات بنگی

خود را نیز ضمیمه قرارداد کرده ، و اسباب پیشرفت کار خود داشته که هرگاه در ادای اقساط آن تعالی روی دهد دولتی روس و انگلیس مأمورین خود شان را برای وصول مالیه و حفظ گمرکات در قسمت خویش توانند تعیین نمود

(۷) باید دانست که موضوع قرارداد روس و انگلیس فقط تقسیم ایران است ، از تبت و افغانستان هم که نامی برده شده محض بی کم کردن بهاست و بس و دلیلی بهتر ازین نیست که هیچگونه تسدیل و تغییری در وضع حکومت و تجارت و سیاست تبت و افغانستان داده نشده ، بهمان اسلوبی که بوده برقرار داشته و دولتی تسلیم نموده اند

(*) یکی از جراند منصف بی غرض درین موضوع می نویسد ، این است سزای ملت و دولتی که تن پروری اختیار کرده ، عیاشی و هرزگی پشته خود ساخته ، یکصد سال صاحب و فرصت را برایگان از دست داده ، و هر روز مانند زنان هر جانی در دامان یک ازرقبای خود نشسته ، بظلم و اجحاف و تعدی زیر دستان خود اصرار وقت نموده اند اخبار دیگر درین موضوع می نویسد - جنبش اول ایرانیان در انعقاد پارلمان و مباحثات اولیه دلائیان و کلا در پیشرفت ترقیات مالیه ، و هیاهوی تشکیل بنگ ملی ، یک دفعه شالوده این معاهده را تغییر داد ، هیچ نمانده بود که دولتی روس و انگلیس ایران را از موضوع معاهده خود خارج نمایند ، افسوس که یاوه گوئیهای اخیره اعضای شورا ، و پیروده سرآئیهای وکلای ملت در پارلمان ، و خود غرضیهای رجال دولت ، و تبانیات خیالیانه شخص سلطنت با مشروطیت ، بر ارباب سیاست آشکارا داشت که این قوم با این بی مدری و خود عرضی و اختلاف بالاصاله نتوانند بار خود را بمنزل برسانند ، و این ملت و دولت شعور شناسی راه را از چاه ندارند ، باتفاق جمیع سیاسیون منصف قوای مغوی ایران درین یک سال اخیر پیش از آنچه تصور شود مضمحل گردیده ، البته به بعضی آب و رنگهای ظاهری او افزوده است ، ولی این رنگ و روغن های ظاهری ضعیف که بدولت ساری شده دفع نتواند داد ، شورای ملی ایران اگر تمام اعضایش از مردمانیکه عارف بمواقف عصر اند انتخاب شده بود ، و ابتدا قانون اساسی را مرتب کرده ، از روی نحت مالیه مملکت را اصلاح میکردند ، و بلاد رنگ در تشکیل اردوهای قشون ملی مساعی بکار می بردند ، نا حدی را جرئت مخالفت با مجلس بودی ، و نه این اغتشاشات در داخله پیدا شدی ، و نه قشون گرسنه عثمانی در سرحد ایران تجاوز میکرد ، و نه این معاهده میشومه دولتی بر سر ایران می شد ، و نه ایران مال المصالحة اتحاد روس و انگلیس واقع میکردید ، قبل از اینکه اختیارات مالیه را کاملاً بکنف گیرند ، و قوت بسزا بدست آرند برای رفع اغتشاشات داخلی و سرکوبی مخالفین ، شروع در بحث مسائلی کردند که ابد و وظیفه مجلس نبود ، قبل از کندن چاه منار دزدیدن البته همین نتیجه را می بخشید ، هم ملت مضمحل ، و هم دولت ضعیف ، و هم مخالفین داخلی و خارجی جسور میکردند

دیگری از جراند میگوید - تقسیمات جغرافیائی ایران را بین روس و انگلیس با این سرعت تا درجه آلمان دمه دار است که کم خواست دست تصرف در این مملکت هم دراز نماید ، و جای مهری در خرچ راه آهن بندهای برای خود بگذارد ، و حدی از آن نیز بوکلائی پارلمنت برمی خورد ، که چشم بسته امتیازنامه بنگ آلمان را بلاد رنگ امضا بر قسم میل او بود با وی سلوک نمودند ، اگر پارلمنت ایران در سر این امتیاز سخت ایستاده ، جوهر لیاقت خود و غیرت ملی ایرانیان را بروز داده بودند ، هر آینه روس و انگلیس را بدین عجله این جسارت حاصل نمیگردید ، که ایران را سه قسمت نموده ، درصد شصت روس و سی انگلیس و ده بخود ایرانی واگذار نمایند ، پارلمنت و رجال دولت را لازم بود که

(۸) مسلم است که چهل کرور نفوس ایرانیه که دارای يك مذهب و متكلم بيك لغت و كاملاً در همه چیز ايضاًك تا ناك خود را شريك النفع و الضرر ميدانند، با آن غيرت جبلی و شجاعت فطری که تاريخ ازین قوم نشان میدهد، و علائم بيداری که سازگی درین ملت نمایان گردیده، اگر بحال خود مانده‌ی، با آن هوش طبیقی و ذکاوت خداداده در قلیل زمان نقطه ناریك آسبای وسطی را منور نموده، مانند ژاپون رقیب بزرگی برای دولین پیدا میگردید، و رقبای این نکته را هم دانستند که يك دولت ولو هر قدر قوی باشد تسلط نامه بر تمام این مملکت حاصل نتواند نمود، و بر فرض که موقت هم تسلط حاصل نماید، استقامت و استقامت پیدا نمیتواند کرد، و اسباب اطمینان همایگان برای همیشه شتواند بود، ازین رو باسم تقسیمات جغرافیائی بدوا ایران را بسه حصه منقسم نموده، تدابیر اسکندر را در حق این ملت و مملکتی پای بند شده، ببارت بسیار ساده بدین اصول ایران را ملوک طوائف قرار داده، ابواب ترقی او را مسدود خواسته‌اند، یعنی میان برادران ایرانی باین تدابیر جدائی افکنند، تا پس از رقصادن گربه های بلتیکی برای ایستلای خود بر حصص منقسمه که موقع خود شروع خواهند نمود محض آرامی مردم آسوبه، و آسایش خودشان و سد ابواب ترقی ایران بر هر قطعه امیر و رئیس تحت امر خود بر قرار خواهند داشت و باین اصول شالوده ملوک طوائفی را در ایران محکم خواهند نمود، و منافعیکه مدنظر دارند از آن حاصل خواهند کرد، این بود تشریح تدابیر دولین روس و انگلیس درباره ایران بر حسب فصولی که اشاعت داده اند، و اگر حصه ازین معاهده را مستور داشته باشند چنانچه عقیده جمعی از سیاستپون است، البته وضع پیش رفت امور فرق خواهد نمود.

آنچه از خارج تحقیق شده هر قسم نتوانند عقرب يك قرصه هنگفتی برای بدست آوردن مهانه در تصرف مالیه بحاق ایران خواهند ریخت چرا که دولت انگلیس از ابراف طلب ندارد و این مسئله برای پیش رفت مقصود او ناقص مانده است

اثرات این تقسیمات پلیمیکی یا تجارتنی

و یا جغرافیائی ایران

دولت انگلیس هفتاد سال است که از خوف حمله روس بر هندوستان به شب خواب دارد و نه روز آرام، از بهر نا پلین کاملاً این دهشت از روسیان دامن گیر انگلیسان بوده است، اگر بنا بظاهر همراهی هم در بعضی مواقع بایران نموده محض دفاع از هند وده، از زمانی که حقوق شاهنشاهی ما از افغانستان غصب شد، و افغان را تحت حمله خود قرار داد، دولت روس نظر بمقاصدی که داشت تصدیق سرپرستی حکومت انگلیس را بر افغانستان نمی نمود، و انگلیسها در این باب بی قرار بودند، همین قسم ثبت که یکی از طرق حمله روس بر هندوستان بود انگلیسها مشوش داشت، شرح جمیع این نکات از گنجایش این صفحات خارج است تا اینکه روسها در اقصای شرق مخدول و منکوب ژاپون و در داخله خود دچار مهالك گوناگون شده، دولت انگلیس وقت را مناسب دیده، آغاز بگفتگوی بستن عهدنامه با روس نمود، و موضوع این عهد نامه همانا محافظه سرحدات هند بود، ولی در ادای این اطمینانیکه باید از روس حاصلی نماید، لاند چیزی باو هم باید داده شود، این بود که ایرانرا حال المصلحه قرار داد، حزی که در سرحدات هند شامل بود قسمت خود دانسته، بقیه را بروس تسلیم نمود، اگر چه بخمال خود در این معامله باطناً صرفه بزرگ را انگلیسان بردند، ولی بنا بظاهر بسروار از مملک ایران حصه روس قرار گرفت

در سر مسئله بنک آلمان به تدابیر عملی کار را از خود خارج نموده، بگردن ملت اندازید، و عامه را بحاف این امتیازخانه بر انداز ظاهر سازند، همین که این خیالات غیورانه ملیه در انگلستان و روسیه منعکس میگردد، بلاشبه تا يك اندازه رعب بر آنها ساری، و بلاشك باین بی پروائی در تقسیم ایران کار روانی می نمودند، پس از اینکه این قدر سست عنصری و عدم وقوف ملت و دولت با اینکه خود را مشروطه قرار داده و داراییه پارلمنت بودند ملاحظه شد، دولین روس و انگلیس بلا درنگ با کمال اطمینان منویات خود را آشکارا کرده صورتی از آنرا به پادشاه و توسط پادشاه به پارلمنت هم تقدیم نمودند، ابد آوازی از احدی نماند نگردد (بر نیاید ر مرده گان آواز) جریده دیگر می نویسد که تقسیمات جغرافیائی یا تجارتنی و سیاسی ایران که دولین روس و انگلیس نموده اند نام از نتایج افکار ندانم کارانه وکلای شورای ایران است، عجب تر اینکه این تقسیم دو سال است موضوع بحث می باشد، و یکسال است ایران دارای پارلمنت است، و در عرصه این یکسال وکلای شوری این مسئله بدین اهمی را قابل بحث ندانسته بودند، حتی آنکه در آخر وقت هم بسم اطلاع خلاصه معاهده تقسیمینه ایران

حق در تصفیه سرحدی افغان و ایران و فیصله روده
 هیرمند که يك و نیم سال قبل پیش آمد. ایرانیان بر
 سیل عموم انگلیس را عهد شکن و بی وفا و خود
 غرض و این الوقت دانسته. نبود قلی از ایرانیان که
 مکرر از انگلیس نباشد. و یا موافق و عهد دولت
 انگلیس را قابل اعتماد و اعتبار داند. اگرچه ما خود
 تسلیم داریم که در عوالم بلتیک این گونه صفات مذموم نیست.
 ولی در سوری که بجای قلع نقصان نرساند.
 و بواسطه عدم اعتماد و اعتبار ایرانیان بدولت انگلیس
 بود که مایل به ترقی بلتیک روس شده. رسوخ تجارتی
 و نفوذ سیاسی آن نزدیک بود از ایران معدوم گردد.
 در آخرین جنبش ایرانی و بنا بر دندشان سفارت
 انگلیس و تأیید دولت مشارالها در تبدیل وضع سلطنت
 ایران دوباره انگلیس محل توجه ایرانیان شده. گو یا
 تمام سواحل را از یاد داد. واقعات ایام گذشته را از
 خاطرها محو نموده از سادگی انگلیستان را مؤید ترقی و مروج
 تمدن و خیر خواه نوع دانسته. دوست حقیقی ایران بنداشته.
 ولی نکته سلجان ابرار از ابتدای امر چنان
 میگفتند که این قوم زاید بر سایر اروپائیان دوست کشند.
 در هر جا که دوستی بیشتر دیده زیاده دشمنی کرده اند.
 و از هر قوم و ملت که نرمی پیش یافته با آنها بیشتر
 سختی نموده اند. مرحوم امیر عبدالرحمن خان افغان
 و جانشینان او این ملت را نیکو شناخته اند. که همواره
 با خشونت با آنها سلوک نموده منفع می شوند.

بالجمله. چون ایرانیها بر سیل عموم این معاهده را
 از دولت انگلیس دانسته. یعنی میدانند که خواستگار این
 معاهده و سلسله جنبان آن از ابتدا انگلیس بوده و
 مؤسس این تقسیمات جغرافیائی ایرانهم انگلیس است.
 بکدغه روی خاطر را از انگلیس خواهند گردانید

درست اگر دقت شود تمام این میاهو ها برای
 بردن لحاف ملا نصرالدین بود. چرا که افغانستان از
 پنجاه سال باین طرف تحت امر انگلیس شناخته می شد
 حالاهم همان است که بود. ثبت هم آزاد بود همان
 آزادی برقرار ماند. فقط تمام فصول این معاهده راجع
 بایران بود و ایرانیان مال المصلحه واقع شدند

همراهی که انگلیس در بدو مشروطه شدن ایران بنا
 بظاهر تا درجه عموده. بدو انجیالات بلتیک دیگر بودند
 که نتیجه برعکس بخشید. ما در این باب پارها نوشته ایم. و
 از آن بعد محض اینکه باصول بلتیک روسها را تهدید
 نمایند. که اگر دست بیعت با ندمی این شکار را هم از
 جنگال تو بیرون خواهم کرد اقداماتی داشتند. الحقی
 این بلتیک روسها کاملاً اثر کرد و فوراً عقد مصلحه
 را مستعد شده با شرایط معلومه با تقسیمات جغرافیائی
 ایران بستند

ولی بعقیده ما انگلیس قافیه را باخته. ازین حال
 بلتیک خود که غرض عموده امداً هر لذت نخواهند چید
 چه دولت روس با آن همه صدمات یکصد ساله که
 از انگلیس دیده این زودی دلش صاف نخواهد گردید.
 نهایت امروز مقتضی وقت چنان دیده عمل عموده و
 قبول تکالیف انگلیس را نمود. فردا که ایام را بکام
 خود بند. ایدای این معاهدات پای بندی نخواهد نمود.
 خصوصاً با این انقلابیکه در آتیه هند زیر سر دارد که
 بعقیده سیاسيون میتوان سرسری بدو نگرست

از طرف دیگر از زمانیکه عهد و پیمان انگلیس
 دولت ایران سفیر ناپایون را جواب داد. و آنها
 بمواعید خود وفا نکردند. و در مسئله افغان برخلاف
 معاهده با ایران سلوک شد. و از آن بدم در سرحدات
 بلوچستان و حدود خلیج فارس رخی زدنیها نمود.

را بدولت پیش کرده. و دولت به پارلمان فرستاد. صدا از احدی بیرون نیامد. جمیع سیاسيون اروپا درین
 سکوت مات و دولت ایران انگشت عبرت بدان دارند. که ایرانیان را چه شده که به تقسیم مملکت خود بدون سؤال و
 جواب کردن نهادند. و این قدر ندانستند که عاقبت همان عدم مخالفتشان را دولتین امضای آنها قرار خواهند داد.
 رجال دولت و وکلان ماتی که تا این درجه مرعوب اجانب باشند و یا از عوالم بلتیک و سیاست تا این
 پایه بی اطلاع. چه گوه سعادت يك ملت و آهادی يك مملکت مقتدر تواند گردید؟ آیا اعضای پارلمان و رجال
 دولت ایران این قدر هم ملتفت نشدند که سکوتشان درین امر رضایت ایشان را بر طلبیان ظاهر میدارد؟ باید غور نمود
 صورت معاهده را که برای ایرانیان فرستادند. و رضی از آنها نخواستند. غرضی درین بوده؟ و یا عمل مهمل
 کرده اند؟ اگر گفته شود عمل مهمل کرده مد غلط گفته شده. چه آنها مثل ما مهمل کار نیستند. و اگر
 گفته آید که غرض داشتند خرضشان چه بود؟

یکی از واقعان رموز سیاست و رسیده گان قله بصیرت بیان نموده که در کم خبرتی ایرانیان از وضع سیاست
 عالم. و بی اطلاعی آنها از اوضاع بلتیک دنیا همین بس. که قوه تقلید و پیروی خیالات بلتیک از خبر تری دول

این تقسیمات ایران خالی از دو شق نخواهد بود یا این است که ایرانیان بخود آمده، این قبیل فرصتی که برای آنها باقی است غنیمت شمرده، مانند ژاپون گوی مراد را از میدان خواهند ربود، چون امروز این قوم بیدار شده و تا اندازه نفع و ضرر خود را فهمیده اند این آخرین ضرب دستی است که بآنها نموده شده هرگز فراموش نخواهند کرد، و ازبای نخواهند نشست تا وقتی که تلافی نیابند، ظاهر است در آن صورت این قرار نامه ها حکم کاغذات باطله را پیدا خواهد نمود، چه بر طالبان روشن است که امروزه سعادت و شقاوت ایران منوط بکردار و رفتار خود ایرانیان است، اگر ملت ایران اتحاد نموده و دست چه بیدش کرد، و خفالت نورزید صد مانند این معاهدات باو قصاتی نتواند رسانید، بلکه این گونه معاهدات میتواند نازیبا غیرت آنها گردد، و اگر باز هم ایرانیان از غفلت اولیه بچودنیامده، دست وبای خوبشرا بسته بدست همسایگان سپارند تا مواد این قرار نامه بموقع اجرا آید، در آن صورت هم نیز انگلیسان ازین معاهده طرف نخواهند بست، و از حمله رقیب بر معشوقه آنها که هندوستان است آسوده و ایمن نخواهند زیست.

واقفان رموز سیاست میدانند امروزه که روس اقرار بر عدم حمله خود بر هند می نماید، و سرحد جغرافیائی انگلیسانرا بر هند تسلیم میکنند، و حکمت عملی صد و پنجاه ساله خود را ترك میکنند، از روی اجبار است، همینکه از انقلاب داخلی خود آسوده گردید، باز قیل ما را هندوستان یاد خواهد آمد، و مسلماً جویش ایرانیان عبور وطن خواه که اساس سعادتشان را این قرار نامه که مؤسس آن انگلیسان شناخته شده برهم زده، و دست بسته بروشان سپرده،

خواه بخواه با روس متفق خواهند شد، و اتفاقشان با روس در چنین موقع غیرتی و اجباری خواهد بود، در آن صورت هیچمانی برای حمله روس بر هندوستان، و پیشرفت مقاصد یکصد و پنجاه ساله او باقی نخواهد ماند، در آن حال محال است که دولت انگلیس بتواند از چندین هزار میل مقابله با این قوت بزرگ به نماید، چرا که در آن صورت قوت لشکری ایران یا بموجب این قرارنامه در قبضه روس خواهد رفت، و یا بموجب باطاعت او خواهد بود، از برای غنیمت قوی بجهت مانند روس چه فرق میکند حمله بر مکران که سرحد تازه جغرافیائی هندوستان مقرر شده، و یا بر کویته که از چندینست سرحد هند شناخته شده، البته چون بجزک و متصرفات خود نزدیکتر خواهد بود حمله بر مکران برای او آسانتر خواهد بود نسبت بکویته، بفقیده ما بچندین وجه در عقد این معاهده انگلیسان قصاصات عظیم خواهند دید

(۱) بفقیده رجال بادانش درین تقسیمات مجامع عده خطای بین شده و انگلیس غبن قاحض باید داشته باشد (۲) بدست ملهون فوس عبور شجاع ایران که یکصد سال است مدافعه از دشمنان انگلیس بر حمله هند نموده از خود رنجانیده، و آتازا مجبور نموده که بدشمنی دربرنده او به پیوندند و در آتیه برخلاف او گردند

(۳) در این معامله دولت انگلیس خود را مخفف تمدن و ضد بهی خواه نوع جلوه داد، بباره الحری اقی که قرنهای روس را در عداوت تمدن و شمنی با انصاف بود دولت انگلیس بر خود خرید، و انصاف و مریت و مردمی را شهید نمود، و ملت و دولت ایران که تازه میرفتند با بجاوده ترقی گذارند ضرتی زد که محات

روی زمین هم که چین است ندارند، دبروز بود که دولین روس و ژاپون در ماده منچوریا عهدنامه بسته، همینکه انتشار یافت دولت چین رسماً اعتراض نمود، که دولت روس و ژاپون را هیچگونه حقی بر منچوریا نیست، که بر سر آن معاهده نیابند، دولین مشارالها جواب دادند که ما این معاهده را برای استحکام استقلال چین عمده ایم مجدد دولت چین سخت جواب داد که این سلطنت قدیم قویم بالا ساله مستقل است، و ابداً تأیید خارجی برای استقلال او لازم نیست، ولی بد بختیانه بر این تقسیم نامه صریحه نه رجال دولت و نه وکلای مات همین قدر هم اعتراض خشک و حالی نه نمودند، این هم از بی علمی وکلای ملی و خود غرضی رجال دولت نشئت نموده نمجب این است که صد سال همین مرعوبیت رجال دولت از همسایگان این همه خاک مذلت بر سر ایرانیان ریخت، وکلای ملت هنوز نیامده پیش از رجال دولت مرعوبیت خوبش را از همسایگان ظاهر میدارند، آخر بالا تر از سیاهی که رنگی نبود؟ از آنچه بر سر ما آوردند که زیاده تر نمی توانستند بیارند، پس مرعوبیت برای چه؟ ملاحظه بجهت امید؟ مسلماً بزرگترین بد بختیهای مات و دولت ایران همین مرعوبیت منحوسه میشود است، که ما را از افاقه نیز پست تر نموده، و بیشتر این مرعوبیت از بی علمی و بی اطلاعی ما برخاسته، و

شان بظاهر مشکل، بل محال میباشد، معلوم است این بدنامی انگلیسان را خلی از مضار سیاسی هم نیست (۴) پارتی وزیرای موجوده انگلیس که بانصاف و مهربانی و نوع خواهی و عدم اجحاف محنوق دیگران و سلم پسندی نام بردار بود، ازین ظلم بقی که درباره ایران شده در جمیع دنیا برخلاف آن نامزد گردید، و این امر چه قدر مخالف با مسلک دیرینه انگلستان واقع گردید، اعتماد تمام عالم از مسلک این پارتی وزرا یکدفعه مرتفع شد

(۵) با اعتقاد غالب سیاسیون این قرارنامه حمله روس را بر هند نزدیک نموده علاوه که بر قوت او افزوده، و از قوت انگلیس کاسته، بر حسب قرب و بعد دولتین از مراکز خود، بهمان دلیلی که ژاپون در اقصای شرق بر دولت روس چیره آمد روس را بر خود چیره ساخت (۶) دولت انگلیس به صورتی در منفعت بود که هیچ وجه مغل آزادی ایران نمی شد، بلکه این تصور را از سر رقیب خود هم بیرون کرده ایران را تأیید می نمود که گوی سعادت را از میدان رپوده، قوت و ترقی که در خور مقام اوست حاصل نماید، قوت ایران بالاتصاله طابع و حائل حمله روس بر هند بود، در این صورت هم منتفع میگردید، و هم نیک نام، حال که چنین سلوک را در حق ایرانیان روا داشت، هم در عوالم اصناف بدنام گردید، و هم در آئینه از روی قطع و یقین در عوض نفع از رقیب خود نقصان حاصل خواهد نمود

این يك نکته را هم ناگفته نمیگذاریم، اتفاق سیاست هند خیلی تاریک بنظر می آید، می بینم که مواد اختلافیه بین رعایا و حکومت بسرعت هرچه تمامتر در قلوب طوایف جمع می شود، ظاهر است همینکه این مواد جمع گردید، و موقع انفجارش در رسید، دولت انگلیس را مشکلات

عظیم در داخله هند دچار خواهد نمود، چون این مسئله طبیعی است چنان می بنداریم که هیچ مدبری نتواند جلوگیری از پیش آمدن این گونه حادثات به نماید و گمان ندارم که خیلی مهلت برای پیش آمدن این مشکلات و چنین روزی باشد، بدین ملاحظه نیز رجال انگلستان در خطای بزرگ ازدیاد رسوخ روس در ایران نمودند، چرا که بر ارباب سیاست روشن است که این قرارنامه دولت روس را بهند نزدیک نموده، با این تاریکی آینده پلٹیک که در هند نمودار است انگلیسرا خواهند دید که نزدیک شدن روس به هندوستان و رنجش قای ایرانیان از آنها که هرگز زائل نخواهد گردید، تا چه اندازه در عوالم پلٹیک مضر بحال آینده انگلیس است.

اگر رجال منصف انگلستان غور و تأمل نمایند خواهند دانست که چه قدر راه خطا در این پلٹیک پیورده اند، چه ظاهر اینعامده غیر از باطن اوست، و وضع امروزه ایران و روس را با ده سال آینده مقایسه نمیتوان نموده، و نیز نمیتوان گفت که دولت انگلیس مثل امروزه همراه آسوده و هندوستان باین قسم امن خواهد بود

تأسف

عمدةالتجار خدا بنده رستم تاجر ایرانی که از نیکان دیابود، و در ادبیات فارسی هم بدطولا داشت، و پندنامه های نیکو برای ملت خود در شعر اشاد نموده، و از معتبرین تجار و معتمد و درست حساب و کاردان و وکالت تجارت خانه محترمة جمشیدیان هم با او بود، در حالیکه يك عالم نام نیک از خود گذارده این جهان فانی را وداع نموده، و قلب دوستان خود خصوصاً اعضای اداره جبل المین را از مفارقت دائمی خویش مکدر و ملول ساخت (لذواللهوت و ابنوالاخراب)

قدری هم ناشی از طمع و خود غرضی و خود پسندی شده است

آری اگر ایرانیان میدانستند که پروتست خشک خالی آنها درین موضوع چه قدر در عوالم سیاست اثر دارد؟ وجه مقدار مفید بحال آینده ایران تواند بود؟ هرگز آرام نمیگرفتند، و چنین سکوت تنگ آوری که مورت مضحکه طلبیان بر آنهاست بقول ناقصه خود پلٹیک نام نمی نهادند، و چنان تصور نمی کردند که احترام و توقیر آنها از همسایگان مورت شرم و حیای ایشان خواهد گردید، و کتر بر آنها خواهند تاخت، این خیال هم اگر شده دال است بر بی خبری ایرانیان از عوالم سیاست، که نمیدانند در مدرسه پلٹیک رحم و مروت و پاس حقوق و حق همسایه گی و دوستی و مراعات و همراهی ضفا درس داده نمی شود، هر قدر فروشی اختیبار شود، پیش تر توسری خواهیم خورد، و هر چه نرمی اظهار نمایم زیادتر سختی خواهیم دید، نهال مرعوبیت جز اقبای بذلت برای هیچ قوم نتیجه و نمر نه بخشیده نداده است